نامه ای به جوان درآستانه ازدواج

A Letter to the Young on the Verge of Getting Married



بسم الله الرحمن الرحیم

نامه ای به جوان در آستانه ازدواج

نویسنده:

مهدی عدالتیان

ناشر چاپی:

گل محمدی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نامه ای به جوان در آستانه ازدواج

مشخصات کتاب

سرشناسه:عدالتیان، مهدی، ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدیدآور:نامه ای به جوان در آستانه ازدواج/ مهدی عدالتیان؛ [کاری از موسسه فرهنگی موعود].

مشخصات نشر:مشهد: گل محمدی، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری:۹۳ ص.: جدول؛ ۲۱/۵×۱۱ س م.

شابک:۱۰۰۰۰ ریال : ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۹۰-۰۶-۰

وضعیت فهرست نویسی:فاپا (برون سپاری)

یادداشت:کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع:زناشویی

موضوع:همسر گزینی

موضوع:زناشویی (اسلام)

شناسه افزوده:موسسه فرهنگی موعود عصر (عج)

رده بندی کنگره:HQ۷۴۳/ع۳۶ن۲ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی:۳۰۶/۸۱

شماره کتابشناسی ملی:۱۳۲۴۰۴۴

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص:٢

نامهای به جوان در آستانه ازدواج

مهدی عدالتیان

ص:۳

مقدمه

دوست عزیز نامهات را خواندم. نوشته بودی:

«مگه زوره؟ من نمیخوام ازدواج کنم. تـا درست و حسـابی فایـدهی ازدواج و وضـعیت خودم برام روشن نشه، ازدواج نمیکنم. مگه ازدواج از واجباته، که میگن تو داری گناه میکنی که تن به ازدواج نمیـدی؟ اصـلاً میخوام بدونم این ازدواج چه فایدهای داره که اینقدر اصـرار میکنین؟ تازه من که بی جهت نمیگم ازدواج نمیکنم؛ آخه من هم برای خودم دلایلی دارم و مگه با این گرفتاریهای من میشه ازدواج کرد؟ هنوز تحصـیلاتم تموم نشده، مسـئلهی سربازی پا در هواست، بزرگتر از من تو خونه داریم، بیپولی و بیکاری هم که قوز بالا قوز شده! به نظر شما من باید با این مسائل چه کار کنم؟

اصـلاً من با کی ازدواج کنم؟ من که نمیدونم همسـر خوب چه ویژگیهایی باید داشته باشه، چطور به فکر ازدواج باشم؟ بعضیا میگن آدم باید زود ازدواج کنه که نفهمه چی به چیه؛ بعضیا می گن هرچی دیرتر، بهتر. واقعاً تو چه سنی باید ازدواج کرد؟

میخوام بـدونم چه عیبی داره آدم برای پول یـا کلاًـ مادیـات ازدواج کنه؟ بالاـخره دنیـاش که خوب میشه. بـدبختی اینه که هر کسـی یه جوری آدم رو راهنمایی میکنه؛ مثلاً یکی میگه اسـتخاره کن، ببین اصـلا ازدواج برات خوبه یا نه؟ اگه بـد اومد، کلاً بی خیال شو. بعضیا میگن اصلاً نباید در امر مقدس ازدواج پای استخاره رو به میون بکشیم.

همهی اینا به کنار، به فرض که من تصمیم بگیرم ازدواج کنم، من که نمیدونم چطور باید فرد مناسبی رو برای خودم پیدا کنم. تازه، بعد از اینکه یک نفر پیدا شد، چطور

ص:۸

اونو بشناسم و مطمئن بشم برای من مناسبه؟ بعضیا میگن راه آسون اینه که دختر و پسر با هم دوست بشن، مدتی رفت و آمد، معلوم میکنه که آیا به درد همدیگه میخورن تا با هم ازدواج کنن یا نه.

راستی! تا یادم نرفته، بپرسم مهریه رو نمیشه حذف کرد؟ اگه لازمه، خوبه مهریه چقدر باشه: کم یا زیاد؟

خلاصه؛ من کلی سوال دارم. حالا دیگه بگذریم که بعضیها یک ریزهکاریهایی رو مطرح میکنن که من اصلاً از اونها سر در نمیآرم، مثل اینکه تفاوت سنی باید به مقدار استاندراد باشه، یا مثلا اینکه چه زمانی و چه ساعتی خطبه عقد خونده بشه و چه کسی اون رو بخونه؟ خوش به حالشون! من که اصلاً نمیدونم چرا باید خطبه عقد خونده بشه، تا برسه به بقیهی خصوصیاتش... .»

دوست عزیزم! نامهات را خواندم و خیلی خوشحال شدم که به فکر یافتن پاسخ سوالاتت دربارهی مسألهی مهم ازدواج هستی. بسیاری از جوانان دیگر هم مثل تو سوالاتی در ذهن خود دارند، اما معمولاً نمیپرسند و در سردرگمی میمانند یا به بیراهه میروند. به دلیل این روحیهی خوب پرسشگری به تو آفرین میگویم. به نظر من، همهی حرفهای تو در چند نکته خلاصه میشود، که در ادامه مختصری دربارهی تک تک آنها توضیح میدهم. ابتدا نگاهی به فهرست این نکات مهم بیندازیم:

۱. آگاهانه قدم برداشتن

۲. آیا ازدواج از نظر شرعی واجب است؟

۳. فواید ازدواج

۴. دلایل مخالفان ازدواج

۵. موانع ازدواج

۶. زیانهای ازدواج نکردن

۷. سن مناسب برای ازدواج

۸. تفاوت سنی مناسب

۹. ویژگیهای همسر خوب

۱۰. انگیزههای نادرست ازدواج

۱۱. استخاره در امر ازدواج

۱۲. چگونه همسر شایسته را پیدا کنیم؟

۱۳. چگونه از صلاحیت همسر مطمئن شویم؟

۱۴. دوستیهای قبل از ازدواج

۱۵. مهریه و میزان آن

۱۶. چگونگی عقد

ص:۱۰

۱- آگاهانه قدم برداشتن

دوست جوانم! همهی ما میدانیم که برای حرکت در هر مسیر ناشناختهای، اول باید شناخت پیدا کنیم و بعد قدم برداریم. اگر بخواهیم در تاریکی شب وارد ساختمانی بدون روشنایی شویم، قبل از ورود به دنبال شمع یا چراغقوهای میگردیم، تا مبادا در تاریکی به مانعی برخورد کنیم یا از بلندی پرت شده و دچار صدمه و گرفتاری شویم.

البته چنین خسارتهایی بسیار کمتر است زیانهای ورود ناآگاهانه به مسألهی مهم انتخاب همسر و تشکیل زندگی مشترک است. پس نباید فراموش کنیم که شناخت و آگاهی قبلی نسبت به اصل ازدواج و فواید آن، بسیار ضروری است و به ما کمک میکند که استوارتردر این راه گام برداریم.

به قول شاعر شیرین زبان، حکیم شیراز:

تا نکنی جای قدم استوار***پای منه در طلب هیچ کار

شناخت نسبت به همسر آینده و شناخت نسبت به کیفیت زندگی سالم، آثار ارزشمند فراوانی دارد، مانند:

۱)آرامش؛

۲)اعتماد به نفس؛

۳)بالا رفتن میزان موقعیت در زندگی؛

۴)عدم پشیمانی در آینده.

و آخرین نکته این که:

آگاهانه قدم برداشتن، نشانهی عقل و درایت انسان و منطقی بودن ازدواج است. پس آگاهی در امر

ازدواج، یک «ضرورت» است.

ص:۱۲

۲- آگاهانه قدم برداشتن

آیا ازدواج از نظر شرعی واجب است؟

وقتی این سوالت را خواندم، خیلی خوشحال شدم و در دل تو را تحسین کردم و با خودم گفتم: چقدر این روحیه پسندیده است که انسان حتی اگر کاری را دوست نداشته باشد، وقتی که فهمید تکلیف الهی و مورد پسند خداوند است، آن را بپذیرد و بگوید چشم. بدون شک خداوند مهربان هم برای چنین فردی خیر و خوبی پیش خواهد آورد.

اما پاسخ: کسی که زمینه ازدواجش مهیاست و شرایط لازم را دارد، مستحب مؤکد است ازدواج کند و اگر بر اثر ازدواج نکردن به گناه بیفتد، این امر برایش واجب میشود؛ یعنی باید هر چه زودتر برای ازدواج اقدام کند.

ص:۱۳

۳- آگاهانه قدم برداشتن

۱- اشاره

فواید، اهداف و انگیزههای ازدواج

دوست خوبم! به تو حق میدهم که بخواهی بدانی ازدواج چه فایدهای دارد و یک جوان با چه انگیزهای باید در این راه قدم بگذارد، اما پاسخ این سوال خیلی سخت نیست و با مختصر دقت و مطالعه، میتوانی فواید متعددی را برای ازدواج پیدا کنی. من در اینجا به ده مورد اشاره میکنم.

۲- ۱. تقرب به خداوند و جلب رحمت الهی

پیامبر عزیزمان فرمودهاند: «از نظر اسلام هیچ بنایی در نزد خداوند محبوبتر از ازدواج نیست»(۱) و امام صادق (علیهالسلام) میفرمایند: «هر که میخواهد خدا را با حالت پاک و پاکیزه ملاقات کند، با داشتن همسر صالح ملاقات نماید.»(۲)

پس معلوم میشود هر کس ازدواج کند، خداوند را از خودش خوشنود کرده و خداوند هم رحمت و لطف خودش را شامل حال او و همسرش خواهد کرد. امام صادق (علیهالسلام) فرمودهاند:

«در چهار موقع درهای آسمان به رحمت باز و رحمت الهی نازل میشود:

۱) هنگام بارش باران؛

۲) هنگام باز شدن در خانهی کعبه؛

۳) هنگام نگاه کردن فرزند به صورت والدین (از روی محبت)؛

۱- [۱] بحارالانوار، ج۱۰۳، ص ۲۲.

۲- [۲] وسائل الشیعه، ج۲، ص۱۸.

۴) هنگام ازدواج.»(۱)

۳– ۲. عمل به سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

بهترین و کاملترین الگوی کمال برای همهی ما، رسول خدا (صلیاللهعلیه و آله) هستند و هر کس به آن حضرت شباهت بیشتری داشته باشد، کاملتر است. و در بین سنتها و شیوههای انسانساز آن حضرت، سنت ازدواج سنتی مهم و مورد تأکید است.

این جملهی حضرت معروف است که فرمودند: «ازدواج سنت من است؛ پس هر کس از سنت من روی گرداند، از من نیست.»(۲)

۴– ۳. حفظ دین (بندگی بهتر نسبت به خداوند)

داشتن همسر علاوه بر این که زمینهساز رفع نیازهای عاطفی و غریزی است، مسئولیتپذیری و تعهد انسان را افزایش میدهد و سبب میشود که شخص، خود را امانت همسر بداند و در حفظ خود از لغزشها بیشتر تلاش کند.

پیامبر عزیزمان میفرمایند: «هر کس ازدواج کند، نیمی از دین خود را حفظ نموده است، پس باید تقوای الهی پیشه کند برای حفظ نیمه دیگر.»(۳)

از کلام حضرت میفهمیم که گویا ازدواج و تقوا اگر با هم جمع شوند، انسان را به کمال ایمان میرسانند.

۵– ۴. مصونیت بیشتر از دام ها و وسوسه های شیطان

شکی نیست که شیطان دشمن انسان و همواره در کمین اوست و از هر فرصتی برای آسیب زدن به روح انسان استفاده میکند؛ اما مطمئناً شیطان به جوان مجرد که مهار کردن هوسهای نفسانی برای او سختتر است، بیشتر طمع میکند. ازدواج، جوان را در

۱- [۱] بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۱.

۲- [۲] بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۱.

۳- [۳] بحارالانوار، ص ۲۱۹.

قلهای بلند قرار میدهد چنان که دسترسی شیطان به او دشوارتر میشود.

از این، پیامبر عزیزمان فرمودند: «ای جوانان! اگر توان ازدواج دارید، اقدام نمایید که ازدواج کمک میکند راحت تر چشم از حرام بپوشید و پاکدامن باشید.»(۱)

۶- ۵. ارزشمند تر شدن اعمال نیک

شاید تو هم این روایت را شنیده باشی: «دو رکعت نماز که فرد ازدواج کرده میخواند، ارزشمندتر است از این که فرد مجرد شب را عبادت نماید و روز را روزه بگیرد.»(۲)

ممکن است ابتدا بپرسی دلیل این تفاوت چیست؟ اما توجه به دو نکته، مسئله را روشن میکند؛

اول اینکه فرد متأهل مشغولیت و مسئولیت بیشتری دارد و برایش دشوارتر است وقت خود را برای عبادت خالی کند؛

دوم اینکه عبادت فرد مجرد، دستاوردهای فراوانی برای او دارد، اما این دستاوردها بیشتر در معرض هجوم شیطان است و چه بسا زحمات او با وسوسهی شیطان و ارتکاب گناه به هدر رود، اما همان اندك عبادت فرد متأهل ماندنیتر باشد.

۷- ۶. فراوان شدن روزی مادی و معنوی

برخلاف آنچه در ابتدا به ذهن میرسد که با ازدواج، انسان در تنگنای اقتصادی قرار میگیرد، ازدواج روزیآور است و خداوند مهربان که روزیدهندهی همهی بندگان است، به کسی که ازدواج میکند، لطف بیشتری دارد و روزی او را افزایش میدهد.

رسول خدا (صلیاللهعلیه و آله) فرمودند: «اهل و خانواده اختیار کنید که ازدواج، روزی را افزایش میدهد.»

۱- ازدواج در اسلام، ص۱۴.

۲- [۲] وسائلالشیعه، کتاب النکاح.

۸– ۷. یافتن یار در پیمودن مسیر کمال

سعادت و خوشبختی را اگر به قلهای بلند تشبیه کنیم، داشتن یک یار خوب در پیمودن این مسیر و رسیدن به قله، فواید بسیاری دارد: انسان احساس تنهایی و دلسردی نمیکند و در نتیجه سختی راه کمتر به چشم میآید؛ اگر پای یکی بلغزد، دیگری دست او را میگیرد؛ رقابت سالم خواهند داشت و از این حرکت رو به جلو بیشتر لذت میبرند.

چه زیباست سخن امیرالمومنین علی (علیهالسلام) در توصیف همسرشان که وقتی پیامبر اکرم از ایشان پرسیدند: «زهرا چگونه همسری برای شماست؟» عرضه کردند: «او خوب یاوری است در مسیر بندگی خدا.»

۹– ۸. آرامش روحی

خلقت انسان به گونهای است که با همسر کامل میشود و به آرامش میرسد. همان گونه که بلبل دور از گل و پروانه دور از شمع، آرام و قرار ندارد، انسان هم بدون داشتن همسر خوب و همپا و هماهنگ، آرامش کامل نخواهند داشت و هر گونه تسکین دهندهی دیگری به صورت ناقص و موقت به انسان آرامش میدهد.

این حقیقت را از کلام خالق انسان برداشت میکنیم که در آیهی ۲۱ سوره روم میفرماید:

«و از نشانههای عظمت پروردگار این است که برای شما از جنس خودتان همسری آفرید که در کنار او آرام بگیرید.»

البته اگر در انتخاب همسر دقت لازم نشود یا به وظایف الهی خود به او عمل نکنیم، ممکن است همین وسیلهی آرامش به عامل اضطراب تبدیل شود، که در این صورت کسی جز خودمان را نباید سرزنش کنیم.

۱۰– ۹. فرزند صالح و نسل پاک

ص:۱۷

دنیا تجارتخانهای است که در آن دو گونه تجارت ممکن است صورت گیرد:

الف) کوتاه مدت و زود بازده، که همان اعمال صالح ماست: همچون صدقه، عیادت بیمار، عفو و گذشت و ...؛

ب) بلند مدت و دیر بازده اما دائمی؛ مثل ساختن مدرسه و بیمارستان که حتی بعد از مرگ انسان هم ثواب آن ادامه دارد.

اما بهترین سرمایهگذاری بلند مدت در این تجارتخانه، تربیت فرزند صالح است؛ فرزندی که میتواند در زمان کودکی مایهی گرمی کانون خانواده و نشاط پدر و مادر، در دوران جوانی مشاور و یاوری دلسوز، و در دوران پیری والدین عصای دست آنان باشد و پس از مرگ پدر و مادر هم کارهای خوبشان را ادامه دهد و حتی بر آن بیفزاید. سرمایهی این تجارت مهم، با ازدواج حاصل میشود. با ازدواج، نسل انسان تداوم مییابد و پروندهی خیرات انسان همچنان گشوده میماند.

۱۱– ۱۰.بهترین زمینه ی تمرین کمالات

خانواده، جامعهی کوچکی است که میتوان همه خوبیها را در آن تمرین کرد و باور ساخت. مسئولیت پذیری، احسان و خیررسانی، فروخوردن خشم، گذشت از خطای دیگران و دهها ویژگی خوب را میتوانیم اول به همسر و فرزندمان هدیه دهیم و آماده شویم که در جامعه با همهی هموطنان به خوبی و زیبایی رفتار کنیم. شاید به همین دلیل است که پیامبر عزیزمان فرمودهاند: «بهترینِ شما کسی است که برای خانوادهاش بهترین باشد.»

ص:۱۸

۴- دلایل مخالفان ازدواج

۱- اشاره

دوست گرامی! نوشته بودی برای ازدواج نکردن دلایلی داری. قبول دارم که تو و کسانی مثل تو قصد ازدواج ندارند یا دست کم به فکر ازدواج نیستند، در ذهن خود دلایلی دارید و با آنها خود را قانع کردهاید، اما باید ببینیم که این دلایل چقدر منطقی است.

در زندگی ممکن است موقعیتهایی پیش آید که انسان در ذهن خود به نتیجهای میرسد، ولی دیگران دلایلی بر خلاف نظر او دارند. در این موارد، راه درست این است که انسان فکر خود را با چند نفر آگاه و متعهد و دلسوز در میان بگذارد؛ چه بسا آن چه در ذهن او بن بست مینماید، راه حلی داشته باشد که به آسانی به گشایش منجر شود؛ یا اگر او دچار توهم شده باشد، با مشورت درمان شود.

در این بخش، به مهم ترین دلایل مخالفان ازدواج و پاسخ آن اشاره میکنم، شاید برایت مفید باشد.

۲- دلیل اول: ترس

بعضیها با دیدن مصادیق شکستِ ازدواجهای دیگران، دچار ترس میشوند و میگویند مبادا زندگی ما هم به شکست بینجامد، پس چه بهتر که اصلاً ازدواج نکنیم؛ به ویژه اگر این شکست گریبانگیرِ اقوام نزدیک شده باشد.

پاسخ: به این افراد چند توصیه میشود:

۱) مثبت نگری: به زندگیهای موفق نگاه کنند و توجه داشته باشند که معمولاً

شکســتها و نقــاط منفی را زودتر میبیننـد. مثلاًـ اگر یـک روز در جادهـای پنجـاه تصـادف اتفـاق بیفتـد، میگوینـد امروز بیشـتر خودروها در این جاده تصادف کردند، در حالی که در همان روز چندهزار خودرو بدون هیچ خطری به مقصد رسیدهاند. چرا آن چندهزار را نبینیم و سـعی نکنیم ما از آن موفقها باشـیم؟ ازدواج هم همینطور است؛ باید ازدواجهای موفق را در ذهن مرور کرد.

۲) عبرتآموزی: شکسـتهای دیگران، در عین حـال که ما را ناراحت میکنـد، میتوانـد اسـباب عبرت خوبی باشـد، تا با شـناسایی عوامل شکست آنان و پرهیز از آن زمینهها، بتوانیم زندگی سالمی داشته باشیم.

۳) انجام وظیفه و توکل: تنها ازدواج نیست که بعضـی در آن شکست خوردهاند. اگر شکست دیگران مانع اقدام ما باشد، پس هرگز نبایـد راننـدگی کنیم، چون بعضـی تصادف کردهاند، تجارت هم نکنیم، چون بعضـی ورشـکست شدهاند، و... پس چه بایـد کرد؟ باید در هر زمینهای اصول و قوانین درست را شـناسایی و پس از انجام وظیفه، به خداوند توانا و مهربان توکل کنیم و به راه خود ادامه دهیم.

۳– دلیل دوم: مشکل پسندی

بعضـیها چون مشکل پسندند، شرایطی خاص و خیالی در ذهن خود میپرورانند. همسری میخواهند که در زیبایی، تناسب اندام، علم و دانش، عقل و درایت، خانواده و اصالت، همسرداری و هنرهای زندگی، تحمل و صبر و گذشت و... همهی اینها سرآمد و به اصطلاح نمرهاش بیست باشد.

پاسخ: این افراد از این نکته غافلاند که ما در خواب و رویا نیستیم و فیلم نمیسازیم، بلکه با واقعیتها سـروکار داریم. پس قبل از هر چیز باید ببینیم که آیا ما خودمان دارای چنین امتیازاتی هستیم؟ یا در خانواده و بستگان خودمان چنین افرادی را

میشناسیم، که این توقعات از دیگران داریم؟

واقعیت این است که همهی ما نیاز به اصلاح، خودسازی و رشد داریم و همین قدر که سرمایهی اولیه برای کمالات را داشته باشیم و همت هم ضمیمهی آن شود، یاری خداوند از راه می رسد و باید با همین سرمایهی اولیه، زندگی را آغاز کنیم. البته این سخن به این معنی نیست که حداقلها را در نظر نگیریم، بنابراین، هرگاه که ایمان، اخلاق و تعهد فرد مورد نظر احراز شد، سختگیری و مشکلپسندی را کنار بگذاریم که ما را از خیرهای دیگر محروم میکند.

یکی از دوستان امام جواد (علیهالسلام) نقل میکند: «به حضرت در نامهای نوشتم: من برای دخترانم کسی را که مطابق میل خودم باشد، نیافتم. تکلیفم چیست؟ آن حضرت در جواب نوشتند: این قدر دقت لازم نیست، زیرا رسول خدا (صلیاللهعلیه و آله) فرمودند: «اگر کسی به عنوان خواستگار درِ خانهی شما را کوبید که دین و اخلاقش مورد پسند بود، دست رد به سینهی او نزنید تا فساد در زمین به وجود نیاید.»(۱)

۴- دلیل سوم: کمک به والدین

گاهی افرادی که پدر یا مادر پیر دارند، به بهانهی این که یاریرسان آنان باشند، از ازدواج خودداری میکنند.

پاسخ: به علل زیر، این دلیل قانع کننده نیست و گاهی نتیجهی عکس میدهد:

۱) از آن جا که پدر و مادر آرزوی ازدواج فرزندان خود را دارند، این کار گاهی باعث رنجش روحی آنان است و بیشتر آسیب میبینند؛

۲) میتوان بعد از ازدواج هم با برنامهریزی درست، ساعتهای مشخصی را در خدمت پدر و مادر بود؛

ص:۲۱

۱- [۱] بحارالانوار، ج۱۰۳، ص۳۷۳.

۳) اگر همسر به درستی گزینش شود و رفتار با همسر، طبق دستور شرع باشد، ممکن است همسرمان هم به کمک پدر یا مادر ما علاقهمند گردد و به جای یک نفر، دو نفریاریرسانِ والدین باشند؛

۴) آرامش روحی و روانی بعد از ازدواج موفق، کمک به والدین را دلپذیرتر و موثرتر میکند و گاهی مشاهده شده است افرادی که به این سبب ازدواج نکردهاند، گر چه به ظاهر خدمت میکنند، در باطن و از جهت روحی خسته و ناراحت هستند و این مسأله سبب رنجش والدین و ناخالص شدن خدمت آنان میشود.

۵- دلیل چهارم: رسیدن به کمال و خود سازی

برخی میگویند: ما هنوز کامل نشدهایم؛ هر وقت از جهت ایمانی و اخلاقی به درجات عالی رسیدیم، اقدام به ازدواج میکنیم.

پاسخ: این دلیل مخالفان ازدواج، به عللی که خواهم گفت، منطقی نیست.

۱)کمال و خودسازی درجاتی دارد و به قول معروف، دست بالای دست بسیار است. هرچه انسان بالاتر رود، میبیند درجات بالاتری هست که هنوز او به آن درجه نرسیده است و این مراحل تمام نمیشود. پس نمیتوان به انتظار پیمودن همهی قلههای کمال نشست.

۲)هر چه انسان بیشتر خودسازی کند، بیشتر متوجه نقاط ضعف خود میشود و به همین سبب هرگز به این نتیجه نمیرسد که «من کامل شدهام».

۳)ازدواج، خود نردبان کمال و زمینهساز رشد انسان است و همسر خوب میتواند بهترین همراه در این مسیر باشد.

۴) شیطان و هوای نفس، همواره دو خطر جدی در مسیر افراد خود ساخته و کسانی که به دنبال معنویت هستند، و کمین کردهاند تا به آنان ضربه بزنند. ازدواج سنگر محکمی

ص:۲۲

در مقابل این یورشهاست.

۵) همهی کمالات بایـد ما را به مرتبهی اطاعت از خداوند و عمل به سـنت رسول خدا (صـلیاللهعلیه وآله) برساند؛ پس چگونه میتوان با ترک سنت قطعی پیامبر عزیزمان در امر ازدواج و بی توجهی به تأکید آن حضرت به کمال رسید؟!

۶- دلیل پنجم: راحت طلبی

بعضـی از جوانان میگویند: چرا باید بیجهت خود را به دردسر بیندازیم و برای خود محدودیت ایجاد کنیم؟ الآن راحت هستیم؛ هرجا برویم، هر کار انجام دهیم، لازم نیست به کسی پاسخگو باشیم.

پاسـخ: دانشآموز موفقی که در کسب علم و دانش موفق است، اگر درس را رهـا کنـد و در کوچه و خیابـان به بـازی و تفریح بپردازد، راحتتر است. تـاجر یـا صـنعتگر موفقی هم که با تلاش و زحمت به اقتصاد جامعه خـدمت میکنـد، اگر دست از کار و تلاش بردارد و به خوش گـذرانی بپردازد، راحتتر است. اما هـدفهای ارزشـمند و والایی که دارند، اینان را به قبول این زحمتها واداشـته است و در مقابل آن نتیجههای مهم، این کارها را زحمت که نه، رحمت میداننـد. به قول شاعر: «رنـج، راحت دان چو مقصد شد بزرگ».

پس اگر بـه ده هـدف متعـالی کـه در امر ازدواج هست و در بخش سـوم پاسـخ به نامهـات یـادآوری کردم، دقت کنی، هرگز ازدواج را زحمت و محدودیت نخواهی دانست. بنابراین، پایان کار را در نظر بگیر، که شاهنامه آخرش خوش است.

۷- دلیل ششم: بی انگیزه بودن

عدهای هم میگویند اصلاً چرا باید ازدواج کنیم؟ ما که هیچ انگیزهای برای این کار نداریم.

ص:۲۳

پاسخ: مهمترین علل نداشتن انگیزه در هر کاری دو چیز است:

۱) عدم آگاهی؛

۲) جبران از راههای دیگر.

برای مثال، کسی که انگیزهای برای کار کردن ندارد، یا ارزش کار را نمیداند یا پول و امکانات که از نتایج کار است، از راهی دیگر در اختیار اوست.

در امر ازواج هم اگر شخصی آگاهی ندارد، باید با مطالعه، پرسو جو و مشورت، آگاهی لازم را به دست آورد یا دیگران در این راه به او کمک نمایند، تا اگر گمان میکند رابطهی عاطفی و آرامشی را که با ازدواج به دست میآید، از راههای دیگر هم میتواند به دست آورد، بداند این شیوهی درستی نیست و والدین و خواهر و برادر و دوست تا مدتی او را تحمل میکنند و بالاخره باید به فکر استقلال و تشکیل خانواده باشد. پس چه بهتر که در وقت مناسب خود به این کار اقدام نماید.

ص:۲۴

۵– موانع ازدواج

۱– اشاره

دوست عزیزم! قبول دارم که بعضـی مسائل مانع ازدواج است و با وجود آنها نمیتوان ازدواج کرد، اما نکتهی مهم این است که اگر به سـبب آن مـانع، از ازدواج بپرهیزیم، نیاز به ازدواج از بین نمیرود و کار روز به روز سـختتر میشود و این دغـدغه به یک گره فکری تبـدیل خواهـد شـد. پس باید برنامهای برای رفع مانع بریزیم، تا خیالمان راحت شود که این مانع تا مدتی دیگر –با لطف خداوند– برطرف خواهدشد.

اکنون به مهمترین موانع ازدواج و برنامهی پیشنهادی برای رفع آن اشاره میکنم.

۲– ۱. بیکاری

بیکاری، از جمله معدود دلایل منطقی است که مانع ازدواج است، اما راهحل دارد.

پیشـنهاد: برای پیـدا کردن شـغل منـاسب، ابتـدا بایـد به طور جـدی تحقیق و بـا افراد آگـاه مشورت کنیم، امـا توجه به دو نکته ضروری است:

الف) فقط به فکر کارهای راحت –مثل پشت میز نشـینی– یا مشاغل با درآمد بالا نباشیم، بلکه بدانیم تلاش برای کسب روزی واجب است و نوعی عبـادت و افتخار به شـمار میآیـد و برکت با خداونـد است؛ ب) قانع باشـیم و همین که زمینهی کار نسـبتاً مناسب و حقوق حـداقل فراهم شـد، برای ازدواج اقـدام کرده و بر خداونـد توکل کنیم، تا انشاءالله به برکت ازدواج، درآینـده شرایط کاری ما بهتر شود.

ص:۲۵

۳– ۲. نداشتن امکانات

متأسفانه بسیاری از پدرها و مادرها با این که خودشان میگوینـد: «ما در آغاز زندگی از صفر شروع کردیم و هیچ امکاناتی نـداشتیم، ولی کم کم خداونـد لطف کرد و همه چیز درست شـد»، اما نوبت به فرزنـدانشان که میرسـد توقع دارنـد نسل جوان همه چیز داشته باشند و از خواستگار دخترشان توقع داشتن خانه شخصی، خودرو و امکانات دیگر را دارند.

پیشنهاد: اگر جوانی جرأت و شهامت کار کردن را دارد و تن پرور و تنبل نیست و زمینهی کار هم برایش فراهم شده، اما هنوز درآمد زیاد و امکانات فراوان ندارد، باید برای سرگرفتن ازدواج به او کمک کنیم.

خـانوادهی دختر و خـانوادهی پسـر بایـد بـا آسان گرفتن امر ازدواج و آموختن درس قناعت و تحمل و نیز یادآوری سـختیهای زنـدگی خود که با یاری خداونـد به آسانی تبـدیل شـده است، زمینهی زندگی ساده را برای دو جوان فراهم کنند و بدانند که پیامبر اکرم (صـلیاللهعلیه و آله) فرمودهانـد: «هر کس از ترس خرج و نفقه ازدواج نکنـد، به خدا بدگمان شده است؛ در حالی که خدای تعالی در قرآن میفرماید: ازدواج کنید که اگر فقیر باشید، خداوند شما را از عنایت خود بینیاز میگرداند.»

از سوی دیگر، ازدواج خودش یکی از عوامل افزایش روزی انسان است؛ همـانگونه که پیـامبر عزیزمـان فرمودهانـد: «ازدواج کنید، زیرا همسر برای شما سبب روزی است.»(۱)

در این جا مناسب است که سخن یکی از استادان بزرگم را برایت نقل کنم: همان طور که برای مسافرت، رفیقِ راه را بدون در نظر گرفتن تشریفات و... و فقط بر اساس خوشسفر بودن انتخاب میکنیم، در این امر (ازدواج) هم باید تمام زوائد را که همان

۱– مکارمالخلاق، ص۱۹۶

موانع هستند، کنار بگذاریم و شیوهی درست زندگی کردن را تغییر ندهیم.

بنابراین، همان طور که دختر و پسر در کنار پدر و مادرشان بدون هیچ قید و شرط و خیلی ساده و بدون تشریفات، با نهایت صفا و مهر و محبت زیستهاند و گاهی هم به قصد مسافرت یا رفتن به مهمانی و... ساده و بی آلایش در کنار هم بودهاند، اکنون هم دختر و پسری که میخواهند با هم ازدواج کنند، باید به عنوان دو رفیق با حذف همهی تشریفات و تجملات، در مسیر زندگی همسفر خوبی باشند و فقط از کلاسی به کلاس دیگر ارتقا یابند. در این صورت است که زندگی گوارا و لذتبخش میشود، زیرا با پرهیز از موارد زائد، به آرامش -که هدف اصلی ازدواج است- میرسند.

خلاصه؛ اگر تشریفات، تجملات و آرزوهای باطل و چشم و همچشمی را کنار نگذاریم، در زندگی آب خوش از گلوی ما پایین نخواهد رفت.

۴- ۳. تحصیل

بسیاری از دختران و بعضی از پسران، تحصیلات عالی را مانعی برای ازدواج خود میدانند.

پیشنهاد: دختران هنگامی که به سن ازدواج میرسند و خواستگاری مقبول و موجه دارند، نباید او را رد کنند؛ چرا که اولویت برای هر زن، همسرداری و مادری است و او اگر توانست این وظیفه را کامل انجام دهد و در کنار آن آمادگی و توان خدمتی افزونتر را هم به جامعه داشت، آنگاه به کار دیگر بپردازد. پس شایسته است اول ازدواج کند و سپس با مشورت و نظرخواهی از همسرش و افراد آگاه و دلسوز، بررسی کند آیا ادامهی تحصیل به نفع زندگی او و جامعه هست یا نه؟ بدیهی است تحصیل در همهی رشتهها و همهی محیطها مفید نیست و ادامهی تحصیل برای بانوان، با چند شرط میتواند مفید باشد:

۱. همسر راضی باشد و به اولویت نخست یعنی ایفای وظایف همسری و مادری آسیب نرساند؛

۲. آن رشته، برای جامعه مفید و لازم باشد؛

۳. دانشآموختگان شایسته در آن رشته به اندازه کافی نباشند؛

۴. این خانم استعداد تحصیل توأم با موفقیت را در آن رشته داشته باشد و این نکته را استادان متعهد و متخصص تأیید کنند؛

۵. از سلامت محیط و تأثیرناپذیری خودش از موارد منفی مطمئن باشد، در این نکته باید دقت بیشتری به خرج داد، زیرا افرادی را سراغ داریم که با انگیزههای خوبی وارد دانشگاه شدند، ولی به علت نامناسب بودن محیط آن دانشکده، نه تنها از فکر خدمت به دیگران منصرف گشتند، بلکه گوهر ایمان و ارزشهای اخلاقی خود را هم از دست دادهاند.

بنابراین، اگر شرایط پیش گفته پس از ازدواج محرز شد، خانم میتواند با اطمینان خاطر و امنیت بیشتر به تحصیل ادامه دهد، و گرنه صلاح در این است که به زندگی خود برسد و از هدف والای زندگی باز نماند.

علاوه بر این، آیا کسب دانش فقط از راه تحصیل در دانشگاه امکانپذیر است؟ مگر یک خانم خانهدار نمیتواند با یک برنامهریزی درست، هم به وظایف همسری و مادری برسد و هم هر روز زمانی را به مطالعات هدفمند در موضوعات مورد علاقهاش بپردازد و به این وسیله، علم ودانش خود را افزایش دهد؟

اما پسران هم در صورت مفید بودن رشتهی تحصیلی، میتوانند با برنامهریزی مشخص، سالهای تحصیل را محاسبه کرده و از ابتدا معلوم کنند که مثلاً بعد از یک سال به خواستگاری بروند؛ پس از شش ماه از قطعی شدن کار، همسر خود را عقد نمایند و تا

حداکثر دو سال در عقد باشند؛ و در این سالها بخشی از تحصیل را پشت سر بگذارند و با تدارک شغلی در کنار تحصیل و قناعتپیشگی، در زمان معین زندگی مشترک را آغاز کنند. با این برنامهریزی، آنان هم از آرامش فکری برخوردار میشوند و هم از وسوسههای شیطان محفوظ میمانند.

۵– ۴. سربازی

گاهی پدر و مادر به پسرشان میگویند: «تا به سربازی نروی، از ازدواج خبری نیست؛ یا خانوادهی دختر میگویند: چون پسر به سربازی نرفته، به او دختر نمیدهیم. با این حرفها، نیاز به ازدواج برطرف نمیشود و غالباً بین پسر و خانوادهاش اختلاف و دلخوری پیش میآید. اما اگر بگویند با یک برنامهریزی حساب شده ازدواج را قبول میکنیم، هم آرامش و رضایت دو طرف تأمین میشود و هم انگیزهی رفتن به سربازی و سرعت اقدام در این زمینه افزایش مییابد.

پیشنهاد: پدر و مادر میتوانند به پسرشان بگویند: «بعد از احراز شرایط و صلاحیت طرف مقابل، خواستگاری میکنیم که خاطر تو جمع باشد این دختر، همسر آیندهی توست؛ اما با این شرط که پیش از آن باید برای سربازی اقدام کنی و هنگامی که تاریخ اعزام تو، مشخص شد، ما به خواستگاری میرویم و کار را قطعی میکنیم. چند ماه که از خدمتت گذشت، دختر را عقد کرده و در طول خدمت زمینهی شغل مناسب را فراهم و کم کم امکانات اولیه را تهیه میکنیم و بلافاصله بعد از پایان سربازی هم با برگزاری یک مراسم، همسرت را به خانهی خودت ببر.»

آری، با داشتن برنامهی مشخص هم جوانان انگیزهی بیشتری برای تلاش دارند و هم شرایط حفاظت آنان از گناه فراهم میشود.

۶– ۵. خواهر یا برادر بزرگ تر

ص:۲۹

گاهی کسی آمادگی ازدواج را دارد، اما خواهر یا برادر بزرگترش هنوز ازدواج نکرده است و پدر و مادر میگویند تا او ازدواج نکند، نمی شود تو ازدواج کنی.

پیشنهاد: با توجه به شرایط سنی خواهر و برادر بزرگتر، راههایی پیشنهاد میشود:_ _

الف) اگر فرزند بزرگتر در سن متعارف ازدواج است، حرمت بزرگتر ایجاب میکند که فرزند کوچکتر تا مدتی صبر نماید و بگوید قصد ازدواج ندارم؛

ب) اگر سن فرزند بزرگتر از سن متعارف ازدواج بالاتر رفته، پدر و مادر نباید ازدواج فرزند کوچکتر را به تأخیر بیندازند، بلکه باید فرزند بزرگتر را هم آگاه کنند که چه بسا بعد از ازدواج فرزند کوچکتر، شرایط برای او مهیاتر شود.

ج) اگر فرزند بزرگتر به دلایل غیر منطقی نمیخواهد ازدواج کند، والدین باید ابتدا او را قانع و آگاه سازند که ازدواج امری لازم و مفید است و اگر با همهی این توضیحات نپذیرفت و بر نظر خود پافشاری کرد، مانع ازدواج فرزند کوچکتر نشوند؛

د) اگر برای فرزند کوچکتر موردی استثنایی پیش آمد که بسیار مطلوب بود و از طرفی فرزند بزرگتر هم در سن متعارف ازدواج است، پدر و مادر میتوانند در جلسهای خصوصی، بدون اطلاع فرزند بزرگتر، اصل ازدواج را قطعی کنند و قول بدهند، اما خواستگاری رسمی را تا مدتی به تأخیر بیندازند تا تکلیف دختر یا پسر بزرگتر روشن شود. البته اگر فرزند بزرگتر منطقی باشد، میتوانند با روشن ساختن اهمیت مسأله برای او، صرفاً مراسم عقد و ازدواج را به تأخیر بیندازند.

۷– ۶. بیماری

برخی از جوانان بیماری خاصی دارند که به طور کامل درمانشدنی نیست و باید با آن بسازند و همین بیماری مانع پذیرش طرف مقابل میشود ودر نتیجه ازدواج آنان به تأخیر میافتد.

ص:۳۰

پیشنهاد: اگر ما خود را به جای طرف مقابل (فرد سالم) بگذاریم، به او حق میدهیم که خود یا خانوادهاش با ازدواج با فرد بیمار موافقت نکنند. بنابراین، راه چاره این است که فرد بیمار از خواستههای خود بکاهد و بپذیرد که با فرد خوب، مؤمن و شایستهای که بعضی ویژگیهای مثبت را ندارند، ازدواج کند؛ مثلاً فردی که سن بالاتری دارد یا ازدواج ناموفقی داشته یا او هم به نوعی بیماری مبتلاست. دراین صورت هم امر ازدواج آسانتر میشود و هم خدمتی به کسی شده است که ازدواج او نیز با سختی مواجه شده بود.

۸– ۷. مخالفت والدین

اگر کسی خیلی مایل به ازدواج باشد، اما پدر و مادرش به هر دلیل مخالف باشند، وظیفهی او چیست؟

پیشنهاد: ابتدا باید تحقیق و بررسی کرد که مخالفت ایشان چه دلیلی دارد. در این زمینه میتوان از فکر و نظر افراد آگاه و دلسوز کمک گرفت. اگر مخالفت آنان منطقی و به صلاح فرزند است، باید با کمک خودشان راهکار مناسب را پیدا کنند و تا زمان مهیا شدن شرایط، فرزند صبر کند و والدین هم به فکر مقدمات ازدواج او باشند. اما اگر مخالفت آنان منطقی نیست، در این صورت فرزندان باید از بحث و جدل و خدای ناکرده بی احترامی به والدین بپرهیزند و با کمک خواستن از فرد عاقل و موجه در بین بستگان یا دوستان و واسطه قرار دادن او، پدر و مادر را آگاه کنند و موافقت ایشان را با ازدواج فرزندشان به دست آورند.

بارها تجربه شده است وقتی فرزندان احترام والدین را نگه داشته و فردی موجه را واسطه قرار دادهاند، پدر و مادر هم حق را پذیرفتهاند. به عکس، وقتی فرزندان به جدل با والدین مشغول شدهاند، کار سختتر و گاهی به نزاع و گرفتاریهای دیگر

منجر شده است.

ص:۳۲

۶- زیانهای ازدواج نکردن

۱- اشاره

(اگه ازدواج نکنم چی میشه؟)

دوست خوبم! باید بدانی که اگر جوانی عذر موجهی برای ازدواج نکردن دارد و این مسأله موقتی است، مثلاً هنوز به سربازی نرفته یا منتظر است شغل مناسبی پیدا کند و بعد به سراغ ازدواج برود؛ در این صورت چنین تصمیمی ایرادی ندارد. اما اگر کسی بی جهت و با این که شرایط برایش مهیاست، ازدواج نکند، مطمئناً بسیار ضرر میکند.

در اینجا به بعضی از این زیانها اشاره میکنم.

۲- ۱. فاصله گرفتن از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و سنت آن حضرت

حتماً شنیدهای که پیامبر عزیزمان فرمودهاند: «ازدواج سنت من است و هر کس از سنت من دوری کند، از من نیست.»

پس حتی اگر ما حکمتها و فوائد ازدواج را هم ندانیم، وقتی به توصیهی رسول خدا (صلیاللهعلیه وآله) عمل کنیم، خیر و سعادت نصیبمان خواهد شد و اگر بیتوجهی کنیم، ضرر کردهایم؛ به ویژه که آن حضرت در عبارت دیگری فرمودهاند: «هر که قدرت ازدواج داشته باشد و ازدواج نکند، از من نیست.»(۱)

۳- ۲. فراهم بودن زمینه ی دخالت شیطان و گرفتار شدن به گناه

نمیخواهم بگویم هر آدم مجردی گنهکار است؛ چه بسا جوانهای مجردی که وقتی یوسفوار از زمینههای گناه فرار میکنند چنان پیش خدا عزیز میشوند که دهها

۱- مکارمالخلاق، ص۱۹۶.

متأهل هم به گردشان نمی رسند. اما واقعیت این است که اگر کسی بتواند ازدواج کند، ولی تن به ازدواج ندهد، شیطان خیلی به او طمع میکند و برایش نقشه میکشد!

پیامبر اکرم (صلیاللهعلیه و آله) به شخصی فرمودند: آیا همسرداری؟ گفت: نه یا رسول الله! فرمودند: آیا ثروت و امکانات برای ازدواج داری؟ گفت: بله. فرمودند: «ازدواج کن، وگرنه از گناهکاران خواهی بود.»(۱)

۴- ۳. در معرض خطر بودن «اعمال صالح»

کارهای خوبی که انسان انجام میدهد، مانند پساندازی است که جوانی کوشا و پرتلاش دارد. اکنون فرض کن اگر جوانی زحمت بکشد و کار کند، اما پولهای خود را در جایی پنهان نماید که در دسترس دزدان و شیادان باشد، آیا این جوان هر لحظه در معرض خطر سرقت قرار ندارد؟

به همین دلیل است که امام باقر (علیهالسلام) فرمودهاند: «دو رکعت نماز شخص همسردار، بهتر است از آن که فرد بی همسر شب را تا صبح نماز بخواند.»(۲)

آری، اجر نمازهای او زیاد است، اما شاید شیطان با یک فریب دستاوردهای او را غارت کند.

۵- ۴. محروم شدن از نسل پاک

همهی ما میدانیم که فرزند صالح، بهترین دستاورد زندگی مشترک است. گاهی در میان نسل انسانها، افرادی ممتاز متولد به دنیا میآیند که اجداد ایشان هم از برکات اعمالشان بهرهمند میشوند. ازدواج نکردن، انسان را از این نعمت محروم میکند.

۶- ۵. ضررهای دیگر

علاوه بر آن چه گفتم، اگر بعد از سالها که تصمیم نداشتهای ازدواج کنی، در سن بالا

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۱.

۲- [۲] وسائلالشیعه، ج ۲۰، ص ۱۹.

به فکر ازدواج بیفتی، ضررهای غیر قابل جبرانی متوجه تو خواهد بود، مانند:

الف. از دست دادن شور و شوق زندگی؛

ب. سخت شدن هماهنگی و همدلی زن و شوهر، چون دیگر شخصیت آنها شکل گرفته و تثبیت شده است؛

ج. بالا رفتن توقعات و مشکلپسندی؛

د. کم شدن احتمال پیدا کردن همسر مورد نظر؛

ه. زود رنجی و ضعف اعصاب.

ص:۳۵

۷– سن مناسب برای ازدواج

زمان مناسب برای ازدواج، بستگی به شرایط بیرونی و درونی دارد. شرایط بیرونی مثل آماده بودن حداقل امکانات و روشن شدن تکلیف تحصیل، سربازی، شغل و... است، که در بخشهای قبل دربارهاش صحبت کردیم. اما شرایط درونی کدام است؟ یعنی اگر فرض کنیم مسائل دیگر حل شده، وجود چه شرایطی در شخص لازم است تا آمادهی ازدواج باشد؟

دو گونه بلوغ، شرط لازم برای ازدواج است: بلوغ جسمی و بلوغ عقلی، که عموماً اولی زودتر اتفاق میافتد. پس اگر کسی بعد از بلوغ جسمی؛ از قدرت تعقل، تصمیمگیری و قبول مسئولیت برخوردار باشد، میتواند با فراهم بودن شرایط بیرونی ازدواج کند.

تشخیص این توانمندی برای دیگران، با دقت در رفتار و گفتار و گرایشهای فرد ممکن است؛ مثلاً ببینیم دختر یا پسر مورد نظر به چه تفریحاتی علاقه دارد؟ با چه کسانی دوست است؟ چه کتابهایی را مطالعه میکند؟ آیا اصلاً اهل مطالعه هست و...

با توضیحاتی که ملاحظه کردی، حتماً میگویی: «با این حساب که سن ازدواج خیلی متفاوت میشه؛ یک نفر ممکنه در هفدهسالگی و یک نفر در ۴۷سالگی به این مرحله برسه.»

بله همین طور است، و به همین دلیل نمی شود سن خاصی را برای همه سفارش کرد. اما اگر بخواهیم به میانگین سن مطلوب اشاره کنم، در صورت فراهم بودن شرایط لازم

ص:۳۶

و رسیدن به بلوغ عقلی، برای دختران ۱۷ سالگی و برای پسران ۲۱ سالگی را به عنوان حد متوسط سن ازدواج پیشنهاد میکنم.

۸- تفاوت سنی مناسب

تفاوت سنی پسر و دختر در ازدواج، از جمله معیارهای درجه دوم است و اهمیت کمتری نسبت به معیارهای اصلی دارد؛ با این حال، بهتر است که پسر که پسر چند سالی بزرگتر از دختر باشد، زیرا:

۱. بزرگتر بودن پسر باعث پختگی و با تجربه بودن اوست که لازمهی قبول مسئولیت مدیریت زندگی است؛

۲. در آموزههای انسانی و ایمانی ما هست که برای بزرگتر حرمت قائل شویم؛ و در نتیجه، وقتی پسر بزرگتر باشد، ناخودآگاه حرمت و وقار او در زندگی بیشتر محفوظ میماند و این به نفع خانواده است؛

۳. پذیرش از فرد بزرگتر و با تجربهتر، به صورت ناخودآگاه راحتتر است و این زمینهی اطاعت و همراهی همسر و به دنبال او فرزندان را فراهم میکند؛

۴. زنها به دلیل دشواریهای خانهداری و پرورش فرزند و نیز داشتن روحیهی لطیف، در مقابل سختیهای زندگی آسیبپذیری بیشتری دارند و زودتر طراوت و شادابی خود را از دست میدهند؛ در نتیجه بزرگتر بودن پسر سبب میشود که در میانسالی، اختلاف ظاهری زن و شوهر زیاد مشهود نباشد.

اما با همهی اینها، تفاوت سنی چیزی نیست که به سبب نبودن یا کم بودن آن از یک

ص:۳۷

گزینهی خوب دارای شرایط لازم بگذریم. لذا اگر شرایط دیگر فوق العاده باشد، میتوان برای خاطر آنها از این شرط چشمپوشی کرد: البته اگر فوق العاده باشد.

اگر بخواهیم تفاوت سنی را رعایت کنیم حدود ۶ سال پیشنهاد میشود که همان تفاوت سنی دختر و پسر در سن بلوغ شرعی است. بدیهی است مختصری کم و زیاد آن ضرری ندارد.

۹- ویژگی های همسر خوب

۱- ۱. شایستگی خانواده

بسیار روشن است که محیط رشد و نمو در فکر و روح و اخلاق و اعمال انسان تأثیر فراوانی دارد. وقتی برای گیاه فرق میکند در چه خاک و آب و هوایی رشد کند، چطور برای انسان فرقی نکند؟ پس این مهم است که همسر آیندهی یک جوان، در چه خانوادهای و با چه دیدگاههایی بزرگ شده است:

امام صادق (علیهالسلام) میفرمایند:

«از خاندان صالح و شایسته همسر انتخاب کنید که نطفه و وراثت، اثر (پنهانی و ناخواسته در فرزند و نسل شما) دارد.»(۱)

روزی پیامبر اکرم (صلیاللهعلیه و آله) فرمودند: «از گلها و سبزههایی که در مزبلهها روییدهاند، بپرهیزید.»پرسیدند منظور چیست؟ آن حضرت فرمودند: «زن زیبا که در

۱- مکارمالخلاق، ص۱۹۷.

خانوادهی بد و ناشایست رشد کرده باشد.»(۱)

۲- ۲.اخلاق

بعد از «باورهای دینی»، هیچ عاملی به اندازهی اخلاق، در خوشبختی انسان و شیرینی زندگی تأثیر ندارد؛ زیرا اخلاق خوب، کمبودهای مادی و حتی کمبودهای جسمی و جمال و زیبایی را جبران میکند.

بارها مشاهده شده همسرانی که از جهت مالی و مادی، و نیز زیبایی در حد متوسط و حتی پایینتر قرار داشتهاند، به دلیل داشتن اخلاق نیکو، از زندگی گرم و عاشقانهای برخوردار بودهاند؛ تاآنجا که زبانزد دیگران واقع شدهاند. در نقطهی مقابل، چه بسیار همسرانی که با داشتن رفاه مادی فراوان، در بهترین خودروها سوار بوده و در زیباترین ویلاها سکونت داشتهاند، اما از دست اخلاق بد یکدیگر و نیش و کنایهها و زخم زبانها آرزوی مرگ کردهاند.

به همین علت، پیشوایان معصوم ما اخلاق را یک شرط اساسی دانستهاند؛ تا آنجا که یکی از دوستان امام رضا (علیهالسلام) میگوید به آن حضرت نامه نوشتم و پرسیدم: «من قوم و خویشی دارم که از دخترم خواستگاری کرده، ولی بد اخلاق است، چه کنم؟» حضرت در پاسخ نوشتند: «اگر بد اخلاق است، به او دختر ندهید.»(۲)

برای تأکید بر اهمیت اخلاق، توجه به این سخن پیامبر اکرم (صلیاللهعلیه و آله) نیز لازم است که فرمودند: «کاملترین فرد از جهت ایمان آن کسی است که اخلاقش از دیگران بهتر است و نسبت به خانواده خود بیشتر مهر و مدارا میکند.»(۳)

۳- ۳. تعهد دینی و اخلاقی (تقوا)

ص:۳۹

۱- وسائلالشیعه، ج ۲۰، ص۳۵.

۲- وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۸۱.

۳- المحجبۀالبیضاء، ج۳، ص۹۸.

هنگامی که شخصی به عهد خود با پروردگارش وفادار است و از نافرمانی خدا و عهدشکنی میپرهیزد، در عهد خود با همسر نیز میتواند وفادار باشد و به او ظلم نکند.

مردی در مورد ازدواج دخترش با امام حسین (علیهالسلام) مشورت کرد. آن حضرت فرمودند: «او را به مردی با تقوا و پاک دامن بده؛ اگر دوستش داشته باشد، گرامیاش میدارد و اگر دوستش نداشته باشد، (دست کم) به او ستم نمیکند (چرا که از خدا می ترسد).»(۱)

اما در نقطهی مقابل، وقتی فردی با خداوند که همهی نعمتها و محبتها از اوست، عهدشکنی میکند، چه تضمینی هست که به ما وفادار باشد؟ البته این که فردی لغزشی داشته و اشتباهی کرده، اما بعد پشیمان شده و مصمم بر ترک آن است، قابل چشمپوشی است. اما شخصی که بر گناه اصرار دارد و فسق علنی انجام میدهد، هرگز قابل اعتماد نیست.

پیامبر اکرم (صلیاللهعلیه وآله) فرمودند: «هرکس دختر خود را به ازدواج مرد فاسق (کسی که آشکارا گناه میکند) در آورد، با این عمل، او قطع رَحِم (در حقیقت، پیوند خویشاوندی خود را قطع و به دختر خود خیانت) کرده است.»(۲)

۴-۴. عقل و درایت

نقش عقل در زندگی بر کسی پوشیده نیست و نادانی و نفهمی همسر، زندگی را بر انسان سخت میکند؛ تا آنجا که قدیمیها میگفتند: «صد سال گوشهی زندون، یک ساعت با آدم نادون»! و در روایت هم میخوانیم: «بپرهیز از ازدواج با احمق و کم عقل، چرا که همنشینی با او، تباه کردن عمر است.»(۳)

ص:۴۰

۱- مکارمالخلاق، ص۲۰۴.

۲- المحجة البیضاء، ج۳، ص۹۴.

۳- بحارالانوار، ج۱۰۳، ص۲۳۲.

امـا چگونه میتوان عقـل و درایت را در کسـی تشـخیص داد؟ اول از روش و منش خـانواده و بسـتگان نزدیک، میتوان به میزان عقـل او پی برد، چون بخش قابـل توجهی از عقل و درایت تحت تأثیر وراثت و محیط است؛ سـپس دقت در رفتار، گرایشـها و سخنان شخص میتواند در تشخیص این مسأله کمک کند.

۵– ۵. روحیه ی حق پذیری

گـاهی فردی حقیقتی را نمیدانـد و به همین علت به آن عمـل نمیکنـد، امـا همین که متوجه گمراهی و ناآگـاهی خود شـد، به راحتی راه نادرست گذشـته را کنار میگذارد و رفتارش را اصـلاح میکند. با این روحیهی ارزشمند، همهی کاستیها قابل جبران است. اما اگر کسی بر اثر جهل یا تعصب بیجا، بر سخن یا عمل خود پافشاری کند و حتی بعد از روشن شدن نادرستی رفتارش هم از آن دست برندارد، مطمئناً با شخص دارای چنین روحیهای نمیتوان زندگی کرد.

از این رو لازم است که بـا دقت در رفتـار خـانواده و شـخص مورد نظر و بـا پرسـیدن برخی مسائـل از او، و همچنین تحقیق از اطرافیان، از حقپذیر بودن همسر آینده اطمینان پیدا کنیم.

۶– ۶. هماهنگی و تناسب (کُفویّت)

ضرورت این ویژگی ناگفته پیداست، چون هر چه دو همسر با هم هماهنگتر و متناسبتر باشند، زندگی شیرینتر خواهد بود. البته تناسب و هماهنگی هم دو بخش میشود:

الف) ضروری و واجب؛

ب) بهتر و مستحب.

بخش اول، همان هماهنگی در باورهای دینی و تعهدات اخلاقی است و بخش دوم،

مواردی مانند تناسب در وضع مالی، تحصیلات و میزان تفاوت سنی را شامل میشود. اگر شخص مقابل از جهت ایمان و اخلاق فوق العاده بوده و از فخرفروشی و غرور به دور باشد، باید در موارد دستهی دوم کوتاه آمد و از آنها صرف نظر کرد.

۷- ۷. تندرستی

برای هر فرد سالم، داشتن همسری سالم یک حق است و چون ازدواج برنامهریزی برای تمام عمر است و تندرستی در سلامت خانواده و نیز فرزندان نقش مهمی دارد، باید به این نکته دقت کرد. اما تذکر دو نکته لازم است.

اول این که به ندرت، پیش میآید که فردی امتیازات ویژهای از لحاظ ایمان، علم و موقعیت اجتماعی دارد، حاضر شود ایثار کند و محض رضای خدا و با در نظر داشتن چنین امتیازات ویژهای، در عین ابتلای شخصی به بیماری با او ازدواج کند. این یک استثناء است که در صورت داشتن آمادگی لازم، میتوان به آن اقدام نمود.

دوم این که گرچه تندرستی از جمله معیارهای ازدواج است، اما در صورت داشتن همهی شرایط مهم دیگر، موارد کوچکی مانند آسیب دیدن یکی از انگشتان یا وجود یک انگشت زائد در پا و مختصر لکنت زبان، قابل چشمپوشی است.

۸- ۸. زیبایی نسبی و دلنشین بودن

گرچه زیبایی نمیتواند انگیزهی اصلی انسان برای ازدواج باشد و شرایط دیگر در اولویت است، اما زیبایی نسبی و از آن مهمتر دلنشین بودن لازم است. اگر ملاقات و گفتوگو با فرد مورد نظر برای جوان دلنشین نبود، میتوان دیدار و گفتوگو را تکرار کرد، و اگر باز هم نتیجهی مطلوب حاصل نشد، ازدواج توصیه نمیشود؛ حتی اگر اطرافیان اصرار کنند.

شخصی به امام صادق (علیهالسلام) عرض کرد: «من میخواهم با زنی ازدواج کنم، ولی

پـدر و مادرم علاقه دارنـد که زن دیگری را به همسـری خود درآورم.» حضـرت فرمودند: «زن دلخواه خودت را بگیر و آن را که پدر و مادرت می خواهند (و به او علاقه نداری) ترک کن.»(۱)

البته روشن است که حضرت در موقعیتی این توصیه را فرمودهاند که شخص مورد نظر شرایط مناسب را داشته است، اما پدر و مادر بیدلیل مخالفت میکردهاند.

ص:۴۳

۱- کافی ج۵، ص۴۰۱.

۱۰- انگیزه های نادرست ازدواج

۱- ۱. فقط زیبایی

ناگفته پیداست که جمال و زیبایی، یک نعمت خدادادی و وسیلهی جذب همسر و گرمی زندگی است. اما در صورتی ارزش دارد که همراه با زیبایی ایمانی و اخلاقی باشد؛ وگرنه یک همسر زیبای بیتعهد و بیاخلاق، چه بسا گرفتاریهای متعددی برای انسان فراهم کند که قابل جبران نباشد.

از این رو، پیامبر اکرم (صلیاللهعلیه و آله) فرمودهاند: «اگر کسی زنی را (فقط) به سبب جمال و زیبایی بگیرد (و دین و اخلاق برایش مهم نباشد) در زندگی با ناگواریها و خلاف انتظارها مواجه خواهد شد.»(۱)

۲- ۲. فقط ثروت

ثروت، وسیلهی خوبی برای تأمین نیازهای زندگی و رسیدن به اهداف ارزشمند است، اما کسی که بیتوجه به همهی هدفهای خوب، فقط به فکر ثروت همسر یا پدر او باشد، خیری از زندگی نمیبیند. در روایتی میخوانیم: «کسی که زنی را به سبب ثروت و مالش بگیرد، خداوند او را به همان ثروت وا می گذارد (و دست حمایت خود را از سر او بر میدارد).»(۲)

بدیهی است اگر اتفاقی بیفتد و ثروتش را از دست بدهد، دیگر انگیزهای برای تداوم آن زندگی باقی نمیماند و دوستی تبدیل به دشمنی و نفرت میشود؛ و اگر هم دوام

۱- وسائلالشیعه، ج ۲۰، ص ۵۰.

۲- وسائلالشیعه، ج ۲۰، ص ۵۰.

داشته باشد، باید ذلیل مردم و همسر و خانوده‌اش باشد.

۳- ۳. فخر فروشی

به این روایت توجه کن: «هر کسی هدفش در ازدواج، فخر فروشی نسبت به همسرش باشد (و بخواهد با این کار خود را بزرگ جلوه دهد و دیگران را تحقیر کند)، خداوند جز بر ذلت و خواری او نمی‌افزاید.»(۱)

بله، متأسفانه بعضی‌ها به بیماری فخرفروشی و به رخ کشیدن مبتلا هستند و حتی مسئله‌ی مهمی مانند ازدواج را نیز وسیله‌ی این کار زشت قرار می‌دهند. اینها با این که می‌دانند فرد مورد نظر از جهت ایمانی و اخلاقی صلاحیت ندارد، ولی همین که می‌بینند او یا پدرش شهرت یا مقام و منصب اجتماعی مهمی دارد، یا مثلاً تصمیم دارد که در خارج از کشور زندگی کند، به او جواب مثبت می‌دهند، تا به این وسیله موقعیت خود را به رخ دیگران بکشند.

چنین افرادی از این مسأله غافل هستند که این چیزها بعد از مدتی عادی شده، و زندگی آنان همان می‌شود که مثل می‌زنند: «بیرونمون مردمو کشته، درونمون خودمونو»! و بالاخره در همان حال که دیگران از دور حسرت آنان را می‌خورند، خودشان آرزو می‌کنند هر چه زودتر از این زندگی نجات پیدا کنند و این همان ذلتی است که در روایت آمده است.

۴- ۴. خسته شدن از وضع موجود

برخی جوانان در خانواده وضعیتی دارند که تحمل آن سخت است و دیگر از آن خسته شده‌اند؛ شرایطی مانند:

الف) تنهایی؛

۱- وسائلالشیعه، ج ۲۰، ص ۵۲.

ب) کمبود محبت؛

ج) محدودیت و نداشتن آزادی؛

د) اصرار والدین بر ازدواج آنان؛

این وضعیت باعث میشود تصمیم بگیرند به هر قیمتی که شده، زودتر به یک نفر جواب مثبت بدهند و از آن محیط خارج شوند. اما باید توجه داشته باشند که مبادا به قول معروف از چاله در بیایند و در چاه بیفتند. درست است که در شرایط سخت باید به فکر چاره بود، اما لازم است چارهاندیشی با فکر، درایت و مشورت صورت گیرد، تا راهی برای برطرف شدن مشکلات و حل مسائل پیدا شود، نه این که به جای حل مسئله صورت مسئله را پاک کنیم.

کار این افراد مانند این است که بیماری را که از درد می نالد و فریاد می زند، برای این که از درد کشیدن راحت شود، بکشیم. بدیهی است که این اشتباهی مسلم و محرز است و به جای آن، ضروری است به فکر درمان بیمار باشیم. پس این افراد با کمک افراد آگاه، دلسوز و مهربان و با استمداد از خداوند متعال، به فکر ازدواج درست و سالم باشند و با عجله و ندانمکاری، باعث پشیمانی و گرفتاری بیشتر خودشان نشوند.

۵- ۵. طمع و سود جویی

گاهی طمع باعث میشود فردی به ازدواج روی آورد؛ مثل این که ازدواج کند تا در سربازی بر او سخت نگیرند و محل خدمتش شهر خودشان باشد، یا در کارخانهی پدرخانمش استخدام شود و شغل خوبی داشته باشد.

اشتباه بزرگ چنین افرادی این است که به فکر سود حاصل از این ازدواج هستند، اما دربارهی زیان آن نمیاندیشند. به آنچه به دست میآورند، نگاه میکنند، ولی آنچه را از دست میدهند، نمیبینند. آیا از دست دادن آن همه برکات ازدواج درست

و حساب شده، با منافع کوتاهمدت سربازی یا شغل قابل مقایسه است؟ گرفتاری بزرگ وقتی است که با یک پیشامد ناگوار، همان منافع اندک را هم از دست بدهند و مجبور باشند یک عمر زندگی تلخ را بدون هیچ حاصلی تحمل کنند یا متوسل به طلاق شده و گرفتار خسارات ناشی از آن شوند.

۶– ۶. ترحم و دلسوزی

به ندرت پیش آمده که فردی از روی دلسوزی ازدواج کرده است، یعنی وقتی دیده مثلاً طرف مقابل پدر و مادر ندارد یا به بیماری سختی مبتلاست یا از لحاظ مالی بسیار ضعیف است و کسی حاضر نیست با او ازدواج کند، دلش به رحم آمده و تصمیم به ازدواج با او گرفته است؛ و در این هنگام از احراز شرایط غافل شده و همهی ناهماهنگیها چشمپوشی نموده است.

در اغلب اوقات، چنین شخصی مدتی بعد و در مسیر زندگی نتوانسته مشکلات را تحمل کند؛ در نتیجه هم خودش و هم طرف مقابل را دچار گرفتاری و خسارت کرده است. این کار مانند این است که من ببینم چرخ خودروی کسی در جوی بزرگی افتاده و راننده با حال محزون و ناراحت کناری ایستاده است؛ با دیدن حال زار او دچار هیجان بشوم و بدون فکر، با عجله جلو بروم و بخواهم یکتنه خودرو را بلند کنم. اما تا زور میزنم که آن را در آورم، کمرم میگیرد و من هم کنار جوی میافتم و مشکل دو تا میشود. آری، در این موارد باید با فکر مسئله را حل کرد، نه با احساسات آمیخته به هیجان.

البته ناگفته پیداست که اگر شرایط طوری باشد که کاری از دست انسان برآید و از هر لحاظ حساب شده باشد، کمک شخصی و حتی ازدواج هم مانعی ندارد. اما غالباً در اینگونه موارد توجه به یک جهت، انسان را از جهات دیگر غافل میکند.

۷– ۷.تحول

گاهی والـدین برای این که فرزنـدشان متحول شده و مثلاً از دام اعتیاد رها شود، رفیقبازی را کنار بگذارد و اهل نماز و دیانت شود، گمـان میکننـد بایـد هر چه سـریعتر برای ازدواجش اقـدام کننـد تا زنـدگی فرزنـدشان سـر و سامان بگیرد.اما این کار از جهات مختلف غلط است، زیرا:

الف) خیانت و جفا در حق فرد مقابل است؛

ب) به این دلیل که زندگی با دروغ شروع شده، برکتی در آن نیست و حتی گرفتاری و عقوبت الهی را به دنبال دارد؛

ج) چون به جـای درمان، محیط راحتتری برای خطای فرزنـد فراهم شـده، او به راه خطای خود ادامه میدهـد و نهایتاً از والـدین کتمان میکند؛

د) اغلب پس از مـدتی کوتاه، علاوه بر گرفتاریهای پیشـین، اعتراض و شـکایت همسـر و خانوادهی او هم به مسائل قبلی اضافه میشود و...

راه درست این است که در اینگونه موارد بـا مشورت و فکر و رجوع به افراد متخصـص، یـک برنـامهی زمان بنـدی شـده برای درمان بریزنـد و البته مژدهی ازدواج در صورت همکاری و رسـیدن به موفقیت هم بدهنـد. این مژده انگیزه ایجاد میکنـد و آن برنامهریزی راهکار عملی را نشان میدهد و بعد از اطمینان به اصلاح و سلامت، میتوان برای ازدواج اقدام کرد.

نکتهی مهم: گاهی جوان خودش تصـمیم میگیرد با فرد معتاد، بینماز، بیبنـدوبار و... ازدواج کند، تا او را متحول نماید. این هم اشـتباهی بزرگ است که شرح آن در مورد ششم (ترحم) گذشت، چرا که زندگی بسیار مهمتر از این است که بخواهیم آن را وسیلهی امتحان و کسب تجربه قرار دهیم.

۸– ۸. عشق ناگهانی

کم نیستند دختران و پسرانی که با یکی دو برخورد یا ملاقات، ادعا میکنند عاشق یکدیگر شدهاند و به هیچ قیمتی حاضر نیستند دست از یک دیگر بردارند و مدعیاند اگر ازدواج با فرد مورد نظر ممکن نشود، دیگر اصلاً ازدواج نمیکنند.

متأسفانه بارها مشاهده شده است اینگونه افراد بعد از گذشت مدتی کوتاه از ازدواج، آتش عشق ناگهانیشان سرد میشود و کمکم چشم خود را باز میکنند و ایرادات طرف مقابل را میبینند، و سپس زبان به انتقاد از یکدیگر میگشایند و پس از مدتی حتی از همدیگر جدا میشوند.

من خودم شاهد بودم پسری که چنین حالی داشت، وقتی با مخالفت والدینش مواجه شد، با پرخاش و توهین از پدر و مادر خود گذشت و خانه را ترک کرد و به عشق خود پیوست، ولی بعد از شش ماه که به وصال معشوق رسید، چنان از او متنفر گردید که با پرداخت مهریهی سنگین از او جدا شد؛ اما نه خانهای داشت و نه خانوادهای، نه همسری داشت و نه پدر و مادری که مانند گذشته او را بپذیرند، و در نتیجه، در انزوای شدید و بحران روحی سختی به فکر چاره بود.

توصیهی من به این گونه جوانها این است که لحظاتی فکر کنند که کجا میروند؟ عقل و دین چه میشود؟ حق پدر و مادر چه میشود؟ پس عجله نکنند. شایسته است که چنین جوانی به موارد ذیل اقدام نماید:

الف) با توجه دو رکعت نماز بخواند و از خدای مهربان بخواهد هر چه را که خیر او در دنیا و آخرت است، برایش پیش آورد.

ب) جدولی را که در ادامه آمده است، با دقت و انصاف پر کرده و دربارهی آن فکر کند.

بررسی صلاحیت همسر آینده

نمره ی مطلوب

نمره ی فرد مورد نظر

پایبندی به فرمانهای خداوند مهربان

۱۰

اخلاق و رفتار او با اعضای خانوادهاش

۱۰

روحیهی حقپذیری

۱۰

تناسب فرهنگی – عقیدتی با خانوادهی من

۱۰

امانتداری و پایبند به تعهدات خانوادگی

۱۰

تعقّل و برخورد منطقی با مسائل

۱۰

انعطاف و پرهیز از لجبازی

۱۰

سلامت خانواده و محیط رشد

۱۰

مقبولیت و اعتبار او در نزد خانوادهی من

۱۰

کمتوقعی و قناعت و سازگاری

۱۰

جمع نمرهها

۱۰۰

سپس دربارهی این حقیقت بیندیشید که اگر نمره ی فرد مورد نظر برای زندگی کم و ضعیف باشد، این جوان خودآگاهانه و عامدانه زندگی آیندهاش را تباه میکند و هیچ عذری در پیشگاه خداوند و در محکمهی وجدان خود ندارد.

ص:۵۰

ج) با چند نفر از افراد آگاه و دلسوز و امین مشورت کند.

د) با عبرت گرفتن از عاقبت کسانی که چنین حالی داشته و بعد پشیمان شدهاند، سعی کند با عمل به توصیههایی که مطرح شد، بهترین تصمیم را بگیرد.

ص:۵۱

۱۱- استخاره در امر ازدواج

استخاره یک دستور دینی است که روایت معتبر، درستی آن را تایید میکنند، ولی باید موارد و کاربرد آن را شناخت و فقط در مواقعی که بعد از گذر از راههای مرسوم، شخص هنوز در تصمیمگیری دودل است، از آن بهره برد.

در امر ازدواج، ابتدا باید با دقت تحقیق و بررسی و مشورت کرد و اگر با به کار گرفتن روشهای عادی، مسئلهی مثبت یا منفی بودن آن قطعی شد، بدون استخاره اقدام کند.اما اگر پس از تحقیق و فکر و مشورت، از جهتی تحیّر و دودلی باقی ماند -مثلاً خواستگار از هر جهت خوب است، ولی می خواهد در شهر دیگری زندگی کند و ما نمیدانیم دختر تحمل دارد یا نه -در این گونه موارد دستور استخاره داده شده است، تا انسان با خداوند دانا و توانا مشورت کند و از او که عالمالغیب است و از گذشته و آینده خبر دارد، راهنمایی بگیرد.

بنابراین همانگونه که بزرگان گفتهاند، دو چیز را هنگام استخاره نباید فراموش کرد:

۱) استخاره منحصر به جایی است که مثبت یا منفی بودن کار بر انسان روشن نباشد و با تفکر و اندیشه و حتی با مشورت کردن با افراد خبره و صاحب نظر نیز روشن نشود. اینجا، جای استخاره است و در غیر این صورت استخاره کردن اشتباه است؛

۲) از استخارههای مکرر در مورد یک کار باید پرهیز کرد؛ مگر این که فاصلهی قابل توجهی بیفتد یا این که شرایط تغییر کند. در استخارههای مکرر، همان استخارهی اول

ص:۵۲

معتبر است و بقیه اعتباری ندارد.(۱)

ص:۵۳

۱- مفاتیح نوین، ص۱۱۱۲.

۱۲- چه گونه همسر شایسته پیدا کنیم؟

۱- اشاره

دوست خوبم! برای پیدا کردن همسر خوب و مناسب با شرلیط خودت، میتوانی از مواردی که برایت میگویم، کمک بگیری.

۲- ۱. نماز و دعا

میدانی که هر خیری به دست خداوند است و او باید خیر و سعادت را مقرر فرماید، پس اولین قدم پس از تصمیم گرفتن برای ازدواج، همانگونه که امام صادق (علیهالسلام) آموزش دادهاند، این است که دو رکعت نماز خوانده و پس از حمد پروردگار (گفتن الحمدلله) این دعا را بخوانی:

«اَللّٰهُمَّ انّی اُرید ان اَتَزَوَّج. اللّهمّ فَأقدِر لِی مِنَ النّساء اَعَفَّهن فَرجاً وَ اَحفَظَهُنَّ لِی فِی نَفسِها وَ فی مالی وَ اَوسَعَهُنَّ رِزقاً وَ اَعظَمَهُنَّ بَرکةً وَ اقدِرلی منها وَلَداً طَیِّباً تَجعلَهُ خَلفاً صالِحاً فِی حَیَاتِی وَ بَعدَ مَوتِی».(۱)

۳- ۲. سپردن کار به افراد امین، فهیم و دلسوز

دختر یا پسری که به سن ازدواج رسیده است و برای ازدواج آمادگی نسبی دارد، اول باید با پدر و مادر خود صحبت کند و خواستهی خود را با آنان در میان بگذارد و سپس والدین آمادگی فرزندانشان را به برخی افراد امین، فهیم و دلسوز اصلاع دهند، تا اگر مورد مناسبی میشناسند، اقدام کنند؛ دختر خوب را به خانوادهی پسردار معرفی کنند و پسر خوب را هم به خانوادهی دختردار، تا وقتی به خواستگاری میرود، او را بپذیرند. تازه این کار برای خود ایشان هم پاداشهای فراوانی دارد.

ص:۵۴

۱- وسائلالشیعه، ج ۲۰، ص۱۱۳.

امام صادق (علیهالسلام) فرمودند: «هرکس جوان مجردی را همسر دهد (واسطه شود، یا هزینهی ازدواج او را تأمین کند) از کسانی است که فردای قیامت خداوند با نظر رحمت به او بنگرد.»(۱)

۴- ۳. پرهیز از سخت گیری و پرتوقعی

حتماً تو هم این جمله را شنیدهای که، «گل بیعیب خدا و بندههای معصوم خدا هستند.» بقیه شاید عیبهایی یا به عبارت محترمانهتر، اختلاف سلیقههایی با تو داشته باشند، اما آنچه اهمیت دارد، «حق پذیری» و «به فکر اصلاح و رشد بودن» است. آری، فقط و فقط همین مهم است. چون اگر کسی این ویژگی را داشته باشد، هرچه را بلد نیست، یاد میگیرید و کمبودهای خود را جبران میکند و البته خود تو هم از این قاعده مستثنا نیستی. پس دست در دست همدیگر، حرکت به سوی بهتر شدن را آغاز میکنید. به همین دلیل، نباید شروط سختی را در نظر گرفت. مثلاً این که طرف حتماً باید مدرک کارشناسی و بالاتر داشته باشد یا این که باید همهی نمازهایش را در مسجد و به جماعت بخواند و...

شاید به همین دلیل است که وقتی یکی از دوستان امام باقر (علیهالسلام) به آن حضرت نامه نوشت که هیچ کس مثل و هم شأن من پیدا نمیشود که به او دختر بدهم، حضرت در جواب او نوشتند: «گمان نکن که هیچکس هم تراز تو نیست و سخت نگیر که پیامبر اکرم (صلیاللهوعلیه و آله) فرمودند: «اگر خواستگاری آمد که اخلاقش مورد رضایت است (رفتار و گفتار خداپسند دارد)، با او ازدواج کنید... .»(۲)

۱- وسائلالشیعه، ج ۲۰، ص۴۵.

۲- وسائلالشیعه ج ۲۰، ص۷۶.

۱۳- چه گونه صلاحیت همسر را شناسایی کنیم؟

۱- اشاره

تشخیص صلاحیت و شایستگی فردی که برای ازدواج معرفی میشود، اهمیت بسیاری دارد، چون انسان میخواهد همهی هستی خود را در اختیار او بگذارد و عمری را با او سپری کند.

امام صادق (علیهالسلام) به فردی که قصد ازدواج داشت، فرمودند: «دقت کن خود را در کجا قرار میدهی و با کدام خانواده پیمان ازدواج میبندی. متوجه باش چه کسی را شریک ثروت خود میسازی و او را بر دین و اسرار خویش آگاه مینمایی.»(۱)

برای شناسایی فرد مورد نظر، راههایی به تو و همهی جوانان پیشنهاد میکنم.

۲- ۱. تحقیق

برای این مسأله، میتوان از محل کار یا تحصیل فرد مورد نظر و کسانی که مستقیم با او در ارتباط هستند (مانند همکار و همکلاس و سرپرست شرکت و اداره) و افرادی که در آن اطراف مغازه دارند و رفتوآمد و برخورد او را دیدهاند، تحقیق نمود. همچنین میتوان در محل سکونت آن خانواده از همسایهها و مغازههای محل پرسوجو کرد.

۳- ۲. رفتار و روحیات شخص

نوع لباس پوشیدن، رفتوآمد، رشتهی تحصیلی، شغل، محل تحصیل و کار، ورزش و تفریح مورد علاقه، و مواردی از این قبیل، میتوانند نشاندهندهی روحیات و افکار شخص باشند.

۱- محجبۀالبیضاء، ج۳، ص۸۶.

۴– ۳. دوستان

هر کسی به طور طبیعی جذب افرادی میشود که افکار، رفتار و گفتار آنان را می پسندد؛ ازاین رو، با دیدن دوستان صمیمی یک نفر و کسانی که با او رفتوآمد میکند، میتوان نسبت به او قضاوت کرد. به قول شاعر:

تو اول بگو با کیان دوستی   من آنکه بگویم که تو کیستی

بنابراین، دقت در دوستان و همنشینان فرد، ملاک خوبی برای شناسایی اوست.

۵– ۴. نظر بستگان سببی

بستگان دو دستهاند، یک عده که به ایشان بستگان نسبی میگویند و عبارتند از پدر و مادر و برادر و خواهر و عمو و عمه و... اما عدهی دیگر کسانی هستند که بعداً به سبب ازدواج به فامیل شدهاند؛ مانند عروس و داماد و زندایی و شوهر عمه و...، که به ایشان بستگان سببی میگویند.

هنگام تحقیق، چون بستگان نسبی تحت تأثیر عواطف شدید هستند، معمولاً ـ کمتر صراحت به خرج داده، بعضی عیبها را نمیگویند یا بعضی خوبیها را بیشتر و پررنگتر جلوه میدهند، اما بستگان سببی با دید انتقادی نگاه میکنند و تیزبینتر هستند. بنابراین، نظر آنان تا حدودی میتواند به انسان در شناخت فرد مورد نظر کمک کند. پس میشود با چند نفر از ایشان تماس گرفت و با تعمق در گفتارشان به نتیجهی قطعی رسید.

۶– ۵. معرّف

آیا شنیدهای که میگویند: «هر کسی از ظنّ خود شد یار من»؟ یا این ضربالمثل را شنیدهای که میگوید: «طبیب از روی مزاج خود طبابت میکند»؟ بله؛ هر کس دیگران را با همان ملاکی میسنجد که برایش مهم است. مثلاً کسی که نظافت در

نظرش خیلی مهم است و بسیار به پاکیزگی حساسیت دارد، آدم تمیز را خیلی خوب میداند و دیگران هم به همین ترتیب. مقصودم این است که باید دقت کنیم چه کسی همسر آینده را به ما معرفی میکند و او را «خوب» میداند.

اگر معرّف واقعاً انسان آگاه و باایمان و دارای کمالات اخلاقی باشد، در معرفی کردن هم دقت میکند و میکوشد خیرخواه باشد و به پشتوانهی آشنایی و دوستی با یک طرف، به طرف دیگر خیانت نکند. این نکته بسیار مهم است.

۷– ۶–گفت و گوی حضوری

گرچه درصد زیادی از شناخت نسبت به همسر را باید از راههای قبل به دست آورد، اما گفتوگوی دختر و پسر با یکدیگر نیز سهم و نقش مهمی در شناخت دارد.

در مورد این جلسهی آشنایی، توجه به نکاتی که در ادامه میآورم، لازم است.

الف. گفتوگوی حضوری دختر و پسر پس از تحقیق و بررسی ابتدایی و اطمینان از صلاحیت و شایستگی دو طرف و هماهنگی ایمانی و اخلاقی دو خانواده باشد، زیرا معمولا در این نشستها دلبستگی بین دختر و پسر ایجاد میشود و شایسته نیست آن را به سبب بیدقتیهای قبلی و هماهنگ نبودن دو خانواده از بین برد و به آنها از جهت روحی ضربه زد.

ب. این گفتوگو که با اطلاع و صلاحدید خانوادهها انجام شود، تا دختر و پسر آرامش لازم را داشته باشند.

ج. یکی از اهداف مهم این نشست، دیدن چهرهی همسر آینده و اطمینان از دلنشین بودن آن است. از این رو، باید به این نکته توجه داشت و خجالت یا فرورفتن در بحث و گفتوگو مانع از نگاه نشود؛ زیرا در مواردی اتفاق افتاده است که خصوصاً پسرها بعد از انجام مراسم عقد، اظهار کردهاند از چهرهی همسرشان ناراضی هستند.

ص:۵۸

د. یکی از اهداف مهم دیگر این نشست، اطمینان از هماهنگی فکری و عقیدتی دختر و پسر و همسلیقه بودن آنان است. از این رو، باید سؤالات به گونهای مطرح شود که به این نتیجه بینجامد. همچنین باید در نوع سؤالات و پاسخهایی که طرف مقابل بیان میکند، دقت کرد تا بتوان از لابهلای آنها، شخصیت و گرایشهای او را شناخت.

ه. جلسه گفتوگوی حضوری دختر و پسر باید از صداقت و صراحت کامل برخوردار باشد و هر کدام سلیقه و خواستههای خود را روشن و بدون ملاحظه مطرح کند، تا مبادا خود یا طرف مقابل در انتخاب اشتباه نمایند. برای مثال، اگر دربارهی محل سکونت یا تحصیل و شغل همسر نظر خاصی دارند، با صراحت بگویند و چنانچه داری روحیهی خاصی هستند (مثل این که از رفتوآمد زیاد خوششان نمیآید، یا خیلی اجتماعی و اهل رفتوآمد هستند) به طرف مقابل اعلام کنند. همچنین اگر بیماری یا نقص عضوی دارند و یا ازدواج ناموفقی داشتهاند، حتما در آخرین مراحل گفتوگو و پس از این که از مسائل دیگر خاطر جمع شدند، این مورد را هم بگویند، تا هم نشان صداقت باشد و هم بعدها مشکلساز نشود.

* نمونه سؤالات:

برخی از سؤالاتی که میتواند روشنگر روحیات و سلیقههای همسر آیندهات باشد، برایت مینویسم، تا در جلسهی گفتوگو از آنها و یا سؤالات مشابه استفاده کنی و به شناخت بهتری از او برسی.

۱. مهمترین اهداف شما از ازدواج چیست؟

۲. ملاک خوشبختی و موفقیت را در چه میدانید؟

۳. از همسر آیندهی خود چه انتظاری دارید؟

۴. تا چه حد پایبند به مسائل مذهبی هستید و رابطهی شما با مسجد، مجالس عزاداری

و... چگونه است؟

۵. چه نوع لباس و پوششی را برای خود و همسرتان بیشتر میپسندید؟

۶. نظر شما در مورد میزان رفتوآمد با دیگران چیست و با چه کسانی رفتوآمد کنیم؟

۷. بعد از ازدواج، چه نوع رابطهای با پدر و مادرهایمان داشته باشیم و میزان پذیرش ما از نظرات آنان چقدر باشد؟

۸. اگر بین ما اختلاف سلیقه به وجود آمد؟ راه حلّ پیشنهادی شما چیست؟

۹. اگر عصبانی شوید، چه واکنشی نشان میدهید و چگونه خود را آرام میکنید؟

۱۰. نظر شما دربارهی موسیقی چیست؟

۱۱. معمولا چه تفریحاتی را انتخاب میکنید؟

۱۲. به ورزش علاقه دارید؟ چه رشتهای؟

۱۳. آیا اهل مطالعه هستید؟ بیشتر در چه موضوعاتی؟

۱۴. وضع مالی و درآمد همسر در نظر شما چه جایگاهی دارد؟

۱۵. رابطهی شما با دوستان چگونه است و دوست دارید چقدر از وقت خود را با آنها باشید؟

۱۶. نظر شما دربارهی تحصیل خانمها چیست و اگر این تحصیل با رسیدگی به خانواده قابل جمع نباشد، چه میکنید؟

۱۷. اشتغال خانمها به نظر شما چه جایگاهی دارد؟

۱۸. آیا در مسائل سیاسی هم فعالیتی دارید؟ به چه میزان؟

۱۹. آیا نسبت به کیفیت مراسم عقد و ازدواج نظر خاصی دارید؟

۲۰. علت تاخیر ازدواج شما چیست؟ (این سؤال از کسانی پرسیده میشود که در سن

بالاتر از حد معمول ازدواج میکنند.)

نکته آخر این که بـدیهی است ما از غیب و آینـده خبر نـداریم و باطن انسانها را خداوند بهتر میشـناسد، ولی ما وظیفه داریم تا جایی که امکان دارد، تلاش کنیم شناخت درستی به دست آوریم و نتیجه را به خداوند بسپاریم و بر او توکّل کنیم.

ص:۶۱

۱۴- دوستی های قبل از ازدواج

۱- اشاره

دوست عزیزم! نوشته بودی: «بعضیها میگن خوبه دختر و پسر با هم دوست بشن و مدتی رفتوآمد داشته باشن؛ اگر مناسب نبودن، دوستی رو رها کنن و اگر مناسب بودن، با هم ازدواج کنن.»

به باور من، گذشته از این که این دوستیها در دین ما نادرست و ناپسند معرفی شده است، آثار منفی و پیامدهای زیانبار فراوانی دارد که به برخی از آنها اشاره میکنم:

۲- ۱. بروز خطا در تشخیص

طبیعی است که دختر و پسری که با هم دوست شدهاند و در حال و هوای خاصی هستند، در موعد مقرر (بلکه زودتر) سرقرار حاضر میشوند و خواستههای یکدیگر را فوراً برآورده میکنند و با الفاظ زیبا و پرمحبت با هم سخن میگویند. بدیهی است در این فضای ساختگی هرگز نمیتوان یکدیگر را شناخت و به ضعف و قوت طرف مقابل پی برد.

۳- ۲. کم شدن تعهد ایمانی و انسانی

دختری که به محبتهای چندین سالهی مادر و زحمتهای طاقتفرسای پدر پشت پازده و با این که یقین دارد آنان از این ارتباط ناراضیاند ، با پنهانکاری به اعمال خود ادامه میدهد، چگونه میتواند در زندگی وفادار باشد؟ و پسری که حاضر است به راحتی به امانت خانوادهای خیانت کند و برای پدر و مادر حقی قائل نباشد، چگونه میتواند امین و مورد اعتماد باشد و در آینده به همسر خود خیانت نکند؟

۴– ۳. طمع شیطان

شیطان همواره در کمین است و برای هر کسی نقشه دارد تا او را فریب دهد. وقتی دختر و پسری حاضر باشند برای لذت و خوشگذرانی، نه رضایت خداوند را رعایت کنند و نه رضایت والدین را، طبیعی است که شیطان به آنان طمع ورزد و به فریبکاری گستردهتر بپردازد و هرچه بیشتر آنان را از سعادت دور و به بدبختی و شقاوت نزدیک کند.

۵– ۴. رنجاندن والدین

با اندکی دقت متوجه میشویم که این گونه دوستیها غالباً با نارضایتی پدر و مادر و رنجاندن آنان همراه است. مشاوران ازدواج میگویند بارها و بارها پدر و مادرانی با دل پرخون به ما مراجعه کردهاند و از این که فرزندشان ناگهان همهی ارزشها و فرهنگ خانوادگی را فراموش کرده و به فردی دل بسته است که با خانواده هماهنگ نیست، گله دارند و بیشتر از این ناراحتاند که ایشان را تهدید کرده اگر به خواستهی او تن ندهند، از خانه فرار میکند،دست به خودکشی میزند یا...

این گونه دخترها و پسرها به این نکتهی مهم توجه داشتهباشند: همانگونه که خداوند قوانینی را در عالم ماده حاکم فرموده است (مانند قانون جاذبه زمین، قانون تبدیل ماده و انرژی به یکدیگر و بقای آنها و...)، قوانینی را نیز در عالم ماورای ماده حاکم ساخته است که هرگز تغییر نمیکند. و همانطور که اگر کسی بگوید من قانون جاذبهی زمین را قبول ندارم و خود را از بلندی پرت کند، بدون شک آسیب خواهد دید، بیتوجهی به قوانین ماورای ماده هم اثر خود را بر زندگی انسان میگذارد و انکار آن، این حقیقت را از بین نمیبرد.

یکی از این قوانین، «هماهنگی سعادت انسان با رضایت والدین» و «محرومیت از

ص:۶۳

خوشبختی به سبب رضایت نداشتن والدین» است. تردیدی نیست که اگر چنین جوانهایی از گناه خود توبه نکنند و به خیرهسری روی آورند،به سعادت نخواهند رسید.

۶– ۵. خسارت ها

دوستیهای قبل از ازدواج که معمولاً ـ با رفتوآمد و ارتباط تلفنی و تبادل هدیه و مخارجی همراه است، همواره خسارتهایی به دنبال دارد. مصادیق زیر، برگرفته از رویدادهای واقعی است:

الف) هزینههای سنگین، که صرف تفریحات و رفتن به رستوران و هدایا شده است؛

ب) محروم شدن از ادامهی تحصیل به دلیل مشغولیت فکری و بیعلاقه شدن به مطالعهی دروس؛

ج) از دست دادن شغل به علت غیبتها وتأخیرهای مکرر؛

د) از دست دادن اعتبار در خانواده، بستگان و گاهی در سطح وسیعتر به سبب برملا شدن ارتباط نادرست

ه) از دست دادن بخش مهمی از عمر و جوانی در راه معصیت و نافرمانی خداوند.

ممکن است به ذهن بیاید که برخی از این موارد در پی ازدواج شرعی هم احتمال دارد پیش بیاید، اما باید توجه داشت که در این مسأله دو تفاوت وجود دارد:

اولاًـ در ازدواج خسارت به این حد نیست، زیرا که برخی از این خسارتها ناشی از پنهانی بودن ارتباط و پنهان کردن آن از والدین است؛

ثانیاً، در آن موارد در مقابل این خسارت، سودی حاصل شده که رسیدن به زندگی مشترک و خداپسندانه است.

اما خسارت واقعی وقتی به وجود میآید که انسان هم گناه کرده و هم هزینهی مادی

ص:۶۴

و معنوی پرداخته است و برای آیندهی خود نیز باید منتظر سختیهای دنیایی و آخرتی باشد.

۷- ۶. عذاب وجدان و فشار روحی

خداونـد مهربـان، حـالتی در روح انسـان قرار داده است که در هنگـام خطـا و گنـاه، انسـان را ملامت و به سـبب ارتکاب گناه سرزنش میکنـد. از این حـالت به «نفس لوّامه» یعنی نفس ملامتگر تعبیر میشود. البته این لطف الهی است که انسان خطای خود را بشناسد و از آن توبه کند.

بارها مشاهـده شـده است جوانانی که به دوستیهای نامشـروع با جنس مخالف گرفتار شـده اند، هر چه میخواهند خود را شاد و راحت جلوه دهنـد، از درون دچار عـذاب و فشار روحی هسـتند و بدیهی است این حالت در زندگی آینده و تصـمیمگیریهای ایشان تأثیر منفی خواهد داشت و گاهی آنان را به خلوتگزینی و فرار از مسئولیت میکشاند.

۸- ۷. دور شدن از رحمت و حمایت الهی

اطاعت از خداوند، انجام کارهای نیک، خدمت به بندگان خدا و پرهیز از گناه، بارش رحمت الهی را به دنبال دارد؛از این رو، انسانهای باتقوا و درستکار دست لطف خداوند را بر سر خود احساس و نور عنایت او را در زندگی مشاهده میکنند. در نقطهی مقابل، نافرمانی خداوند و گناه و آلودگیهای رفتاری، انسان را از لطف الهی محروم میکند.

بـدیهی است در دوستیهـای دختران و پسـران که گـاهی هم به بهانهی ازدواج صورت میگیرد، زمینههای متعـدد ارتکاب گناه پیش میآیـد که هر یک، انسان را قدمی از رحمت الهی دور میکند. اگر با توبه و جبران خطا، این گامهای اشـتباه متوقف نشود و

سپس بـازگشت به سوی خداونـد اتفـاق نيفتـد، انسـان به درههـای هولنـاك شـقاوت در دنيا و عـذاب الهی در آخرت سـقوط میكند.

۹- ۸.زيان های اجتناب ناپذير

دوستيهـای نامشـروع قبـل از ازدواج زيانهـايی دارد كه در هر حـال دامنگير انسان ميشود. دختر و پسـری كه مـدتی بـدون عقد شرعی با هم دوست شدهاند و رفتوآمد و گفتوشـنود داشـته و گاهی در خلوت خوشان به شـكل صـميميتر به هم اظهار محبت كردهاند، چه دوستی آنان به ازدواج منجر گردد و چه از هم جدا شوند و با شخص ديگری ازدواج كنند، در هر حال زيانهايی ميبينند كه به برخی از آنها اشاره ميكنم.

الف) اگر دوستی به ازدواج منجر شود:

- سوء ظن نسبت به همسر (يعنی دوست سابقش) كه مبادا باز با ديگری دوست شود.

- از دست دادن اعتبار نزد آشنايان.

- آغاز زندگی با گناه و در نتيجه بی بركتی و محروميت از لطف الهی.

- عدم حمايت خانواده در اغلب موارد؛ چرا كه ميگويند تو خود بدون رضايت ما اقدام كردهای.

از دست دادن عزت و سربلندی؛ به ويژه برای دختران، زيرا در نزد خانواده پسر تحميلی جلوه ميكنند.

ب) اگر دوستی به ازدواج منجر نشود:

- لطمهی عاطفی هر دو طرف.

- بدبينی به جنس مخالف.

- تأخير ازدواج يا انصراف از آن.

- سوءظن به همسر آینده که مبادا او هم مانند دوست سابقش باشد.

- مقایسهی همسر آینده با دوست سابق و در نتیجه لذتبخش نبودن زندگی.

ص:۶۷

۱۵- مهریه

۱- اشاره

مهریه، «نشانهی صداقت در خواستگاری» است و از این رو قرآن کریم در سوره ی نساء از آن با تعبیر «صَدُقَات» که جمع «صَدُقه» است یاد میکند. این واژه از صدق و راستی گرفته شده و به این نکته اشاره دارد که مهریه علامت صداقت در عشق و محبت است؛ یعنی پسر با قبول و تعهد پرداخت مبلغی پول یا دادن شیء ارزشمند دیگری، اعلام میدارد که به راستی به این دختر علاقه دارد و خواستار زندگی با اوست.

در عرف انسانها اینگونه است که گاهی زبان سخن میگوید، گاهی علامتها و گاهی رفتار. گویا داماد با رفتار خود -یعنی پذیرفتن مهریه- در ابتدای این راه به عروس اعلام میکند که در ادعای خود صادق است و آمادگی دارد هر چه در توان دارد، به پای او بریزد و برای نمونه، اولین هدیه را که همان مهریه است، با تعهد شرعی بر خود واجب مینماید.

در مورد مهریه چند نکته را یادآور میشوم.

۲- ۱. رضایت طرفین

مهریه باید با توافق و رضایت طرفین تعیین شود. نه خانوادهی عروس مجازند مبلغ یا شیئی بهادار را به داماد تحمیل کنند و او را ناخواسته به قبول آن وادارند و نه خانوادهی داماد حق دارند با فشارهای روحی، کاری کنند خانوادهی عروس ناخواسته و از سر نارضایتی به تخفیف و سبک بودن مهریه رضایت دهند.

ص:۶۸

امام باقر (علیهالسلام) فرمودهاند: «مهریهی زن چیزی است که زن و مرد بر آن توافق نماید؛ کم باشد یا زیاد.»

بـدیهی اسـت در ایـن سـخن تأکیـد حضـرت بر توافـق اسـت و دربـارهی مقـدار آن در روایـات دیگر،(۱) توصـیههای لازم را فرمودهاند که به آن اشاره خواهم کرد.

۳- ۲. میانه روی

در تعالیم دینی بر اعتـدال و میانه روی در تعیین مهریه تأکیـد شدهاست که نه آنقدر کم باشد که بیاحترامی به دختر به حساب آید؛ نه آنقدر زیاد باشد که از توان پرداخت داماد خارج بوده و عواقب منفی به دنبال داشته باشد.

البته در این حـد متوسط که بایـد رعایت شوود، زمان، مکان و شـرایط خانوادهها تفاوت میکند، اما سـبک بوددن مهریه (نه در حـدی که توهینآمیز باشـد) موجب برکت، بالارفتن حسـنظن، تقویت اعتماد و مایهی دوام و قوام زندگی مشترک خواهد بود و برکات فراوانی خواهد داشت؛ از این رو به آن بیشتر توصیه شده است.

۴- ۳. پرهیز از چشم و هم چشمی

چقدر زشت و ناپسند است که امر مقدس ازدواج را وسیلهای برای فخرفروشی و نمایش امکانات و به رخ کشیدن قرار دهیم و مهریه را ابزاری برای چشم و همچشـمی. گاهی میشـنویم که «چون مهریهی فلان قوم و خویش اینقدر بوده ما باید چند درصد بر آن بیفزاییم.» بـدیهی است این رونـد غلط و این نگاه نادرست به مهریه، باعث بالا رفتن بیحساب مهریهها شده و به دنبال آن گرفتاریهـای مختلفی پیش آمـده است، نظیر پاشـیدن بـذر کینه و سوءظن در دل دامـاد و خـانوادهی او، بیبرکـتی، پرتـوقعی و سختگیری طرف مقابل در امور دیگر زندگی، و گاهی هم همین مسئله موجب تأخیر

۱- وسائلالشیعه، ج۱۵، ص۲.

در ازدواج یا بر هم خوردن آن میشود.

۵– ۴. تعامل و حسن ظن

از تعالیم دینی چنین بر میآید که بهتر است خانوادهی دختر توان مالی پسر را در نظر بگیرد و با ملاحظهی وضع شغل و درآمد او و نیز با توجه به آثار مثبت مهریهی سبک، خواستهی خود را تعدیل کند و مهریهی متوسطی را درخواست نماید. در نقطهی مقابل، خانوادهی پسر چون خواستگار هستند، اصرار زیادی بر کم کردن مهریه نداشته باشند، بلکه با قبول خواستهی دختر (در صورت توان و رعایت میانهروی) میل و علاقهی خود را به ازدواج اظهار دارند، و چه زیباست که هر کدام به نفع طرف مقابل سخن بگویند و به دنبال جلب رضایت او باشند.

۶– ۵. پرداخت مهریه در اولین فرصت

شکی نیست که مهریه یک بدهکاری قطعی و یک دِین شرعی است که باید آن را پرداخت؛ اما ممکن است افرادی فکر کنند حالاـ عجلهای نیست و به بهانههای مختلف پرداخت آن را به تاخیر اندازند. جوانان باید بدانند که در آموزههای دینی بر پرداخت مهریه تاکید شده و حتی گفتهاند بهتر است در اولین روزهای زندگی، پسر تمام یا بخشی از مهریه را به همسرش تقدیم کند، تا علاوه بر ادای دِین، بر تعهد خود نسبت به پرداخت مهریه تاکید کرده و موجبات خشنودی همسرش را فراهم آورده باشد. البته دختر هم وقتی ببیند همسرش فعلاً توان پرداخت ندارد، میتواند اعلام کند که عجلهای برای دریافت مهریه ندارد و با رضایت کامل، تا زمان وسعت مالی همسر صبر خواهد کرد.

ص:۷۰

۱۶– عقد

۱– اشاره

دوست جوانم! دربارهی چگونگی عقد و خطبهی آن گفتنیها زیاد است، اما من در اینجا چند نکتهی مهم را توضیح میدهم.

۲– ۱. حقیقت عقد

با یک مثال شروع میکنم: گاهی کسی کتابی را از دیگری هدیه میگیرد، یعنی صاحب کتاب آن را با رضایت به او میبخشد. گاهی فردی همان کتاب را از صاحبش سرقت میکند. در هر صورت، دریافتکنندهی کتاب آن را مطالعه میکند، در آن تصرف میکند، ممکن است آن را به دیگری بفروشد یا آن را در کتابخانهای قرار دهد و...

ملاحظه میکنی که خیلی از کارها بعد از دریافت کتاب شبیه هم به نظر میرسد. اما تفاوتهای بسیار مهمی در آن هست که با کمی دقت روشن میشود:

الف) دریافتکنندهی هدیه، آرامش خاطر دارد و بدون نگرانی از آن استفاده میکند، اما فرد سارق دچار اضطراب و نگرانی است؛

ب) دریافتکنندهی هدیه از این که دیگران کتاب را در دست او ببینند، ناراحت نیست، بلکه با خوشحالی به دیگران خبر میدهد اما فرد سارق... ؛

ج) دریافتکنندهی هدیه با مطالعهی هر صفحه از کتاب، عبادتی انجام داده و علاوه بر نعمت آگاهی، از ثواب الهی برخوردار شده است، اما فرد سارق با مطالعهی هر سطر کتاب، گناهانش بیشتر و عقوبتش سنگینتر میشود.

ص:۷۱

البته تفاوتهای دیگری هم هست که با دقت و تفکر روشن میشود.

اکنون به بحث خودمان بر میگردیم. شکی نیست که همهی عالم و هر چه در آن است، ملک خداوند است و ما انسانها هم بندهی خدا هستیم؛ و باز شکی نیست که تصرف در داراییهای دیگری بدون اجازهی او نوعی سرقت و گناه است. پس دختر و پسری هم که نامحرم هستند و میخواهند یک دیگر را به عنوان همسر انتخاب کنند و از همراهی و همنشینی و... یکدیگر بهره ببرند، باید از مالک و صاحب حقیقی خود یعنی خداوند مهربان اجازه بگیرند. عقد، همان اجازه گرفتن از خداست و خداوند راضی نیست بدون خواندن عقد، چنین پیوندی تحقق یابد.(۱) دستور خواندن عقد و جملات آن در رسالههای مراجع تقلید ذکر شده است، که اگر دختر و پسر از کیفیت و شرایط آن آگاه باشند، میتوانند خودشان آن را بخوانند. همچنین میتوانند فردی آگاه را وکیل کنند که از طرف آنان خطبه را بخواند. البته بهتر است که دو نفر، یکی از طرف دختر و دیگری از طرف پسر، وکیل باشند و خطبهی عقد را بخوانند.

۳– ۲. محکم کاری

در سفارشهای پیامبر عزیزمان آمده است که خطبهی عقد را با سند و مدرک جاری کنید؛ یعنی بهتر است جمعی شاهد باشند و قراردادی نوشته و امضاء شود. در زمان ما که محضر و قانون وجود دارد، بهتر است که به صورت قانونی هم انجام شود که از هر جهت روشن و غیر قابل انکار باشد و البته محکمکاری در هر امری، شرط عقل و سفارش عاقلان است.

۴– ۳. علنی و آشکار بودن

در دستورهای دینی سفارش شده است عقد ازدواج اعلان شود و بزرگان فامیل، آشنایان و دوستان در جریان قرار گیرند. این کار علاوه بر این که نوعی ادای احترام به بزرگترهای فامیل

۱– در مورد دختری که تا کنون ازدواج نکرده، اجازه پدر شرط است و طبق نظر متخصصان دینی، ازدواج چنین دختری بدون اذن پدر مورد رضای خداوند نیست.

است، حرمت نهادن به عروس و داماد هم به شمار میآید و تعهد بیشتر هر دو خانواده را به دنبال دارد و دعای دیگران بدرقهی راه عروس و داماد میشود.

۵– ۴. خوب و خوب تر

گرچه خطبهی عقد در هر زمان و در هر مکان و توسط هر شخصی درست خوانده شود، به وظیفه عمل شده و دختر و پسر به هم محرم میشوند؛ اما نگفته پیداست که جاری شدن آن در زمانهای خاصی مانند شب و روز ولادت معصومین یا شب و روز جمعه و عیدهای مذهبی، باعث برکت بیشتر در زندگی است. همچنین انتخاب مکان بهتر مانند حرم امامان (علیهمالسلام) موجب بارش رحمت الهی بر سر عروس و داماد است و نیز چنانچه فردی باتقوا خطبهی عقد را بخواند، در سعادت عروس و داماد مؤثر است؛ همانطور که حالات معنوی عروس و داماد مثل با وضو بودن، رو به قبله بودن و ذکر خدا بر لب داشتن به هنگام اجرای عقد، آثار مبارکی در پی دارد.

بنابراین، توصیه میشود تا جایی که ممکن است، زمان و مکان و... بهتر را برای عقد انتخاب کنیم.

۶– ۵. آگاهی بیشتر

در کتابهای احکام و رسالههای مراجع تقلید، نکاتی در مورد عقد مطرح شده که آگاهی از آنها قبل از اقدام به عقد لازم است، مانند:

الف. کسانی که ازدواج با آنان حرام است؛

ب. دستور خواندن عقد؛

ج. شرایط عقد؛

ص:۷۳

د. مواردی که زن یا شوهر میتوانند عقد را به هم بزنند؛

ه. احکام عقد (وظایف زن و شوهر بعد از عقد).

توصیه میکنم این نکات را هم مطالعه کنی، تا در صورت نیاز از آنها آگاه باشی.

در پایان، سعادت و خوشبختی و توفیق بندگی خداوند را برای تو و همهی جوانهای برومند آرزومندم.

خدا نگهدار

ص:۷۴

معرفی کتاب

دوران عقـد، دوران پـایهریزی و ساختن زیربنای محبوبترین بناها در نزد خداونـد است، لـذا ضـروری است، هر یک از دختر و پسـر، قبل از ورود به این دوران، بایدها و نبایدهای آن را به خوبی دانسته و رعایت نمایند. بدیهی است اگر این دوران با تدبیر و تعقل سپری شود، سـرمایهای ارزشـمند برای تمام زنـدگی مشترک خواهـد بود و اگر با غفلت و بـدون فکر و تـدبیر بگذرد، خسارتش غیر قابل جبران است. این کتاب میتواند شما را در این امر مهم یاری نماید.

آیـا تـا کنون به این نکته فکر کردهایـد که «زنـدگی میـدان مسابقه است؟» مسابقه در ارزشـها و خوبیها، مسابقه در صـداقت و امانت، مسابقه در راستی و درستی، مسابقه در مهربانی و خیرخواهی و مسابقه در...

بدیهی است اولین گام برای موفقیت در این مسابقه «شناخت» است. شناخت آنچه امتیاز میآورد و آنچه سبب میشود نمره منفی بگیریم.

کتاب دوران عقد از مجموعه بهترینها و بدترینها در بخشـهای مختلف عوامل پیشـرفت و نیز اسـباب سقوط در این مسابقه را به شما معرفی مینماید.

انتشارات راه روشن

ارتباط با ما

Telegram.me/raheroshanpub

[۱] www.rahe-roshan.com

Links:

______

[۱] http://www.rahe-roshan.com

ص:۷۵

با ما در ارتباط باشید

سلام دوست عزیز، خوشحالیم از اینکه توانستهایم با محصولات خود، نظر شما را جلب کنیم. برای ارائه خدمات بهتر به شما و تولید محصولات مطابق با میل و سلیقه شما لطفا نظر خود را نسبت به موضوعات ذکر شده اعلام کنید، تا در ضمنارتباط بیشتر بتوانیم از نظرات و انتقادات شما بهرهمند شویم. همچنین در صورت تمایل میتوانید از جدیدترین محصولات ما در کوتاهترین زمان مطلع شوید.

نظر سنجی

۱- چقدر عنوان کتاب برای شما جذاب بود؟

۱-خیلی زیاد　۲- زیاد　۳- متوسط　۴- کم

۲- چقدر از محتوای کتاب رضایت دارید؟

۱-خیلی زیاد　۲- زیاد　۳- متوسط　۴- کم

۳- طرح روی جلد کتاب را چطور ارزیابی میکنید؟

۱- خیلی خوب　۲- خوب　۳-متوسط　۴- ضعیف

۴- چه قطعی را برای این کتاب میپسندید؟

۱- رقعی (سایز فعلی کتاب)　۲- پالتویی　۳- جیبی

نظر خود را به صورت یک عدد چهار رقمی که اولین رقم آن (از چپ به راست) جواب سوال ۱ و رقم جواب سوال ۴ است را از طریق شماره ۳۰۰۰۸۸۰۰۳۳۳۴۳۵ پیامک فرمایید.

ص:۷۶

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹